

خرده بورژوازی
حاکم
تمام قدرت را
می خواهد!



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۲ دوشنبه ۶ مرداد ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

«کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی گویند. کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند. کمونیستها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.»
ولادیمیر ایلیچ لنین

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲

پیرایه های انحرافی از قامت اندیشه پرولتاریا دارد. کام نهادن ما - زمان بیکار در میدان نبرد ایدئولوژیک با ما از این لحاظ جنبه امیدبخش و مثبت داشته، و ما نیز با استقبال آن میشتابیم.

نقش مبارزه ایدئولوژیک در شرایط کنونی از اهمیت و برجستگی خاصی برخوردار است، و آن هموار کردن راه پرستگلاخ وحدت جنبش کمونیستی می باشد. بقوت می توان گفت که در حال حاضر مهمترین ابزار لازم برای کوفتن این جاده سنگلاخ پریشیب و فراز همان مبارزه ایدئولوژیک می باشد. اما حل مسئله وحدت جنبش کمونیستی ایران را نباید مشروط به افق نامحدود پسر دامنه مبارزه ایدئولوژیک بطور کلی نمود، زیرا که دایره مبارزه ایدئولوژیک حدی ندارد، و بهمان گونه که شنا سایی بشرنا محدود است، این نیزنا محدود می باشد. بویژه، از آنجا که امروز وحدت جنبش کمونیستی و تشکیل حزب کمونیست بیکبار صورت نمی گیرد، و باز از آنجا که از میان شکل های موجود جنبش کمونیستی، برخی شان نزدیک سی و

بقیه در صفحه ۲۰

عرصه های مهم مبارزه گسترده و همه جانبه پرولتاریا با بورژوازی و سایر طبقات غیر پرولتاریاست که نقش مؤثری در کناره زدن و خنثی نمودن اندیشه های بورژوازی و نیز زدودن

سازمان بیکار در شماره ۶۲ برای اولین بار بیکان مبارزه ایدئولوژیک خود را متوجه شده و دست به نقد نظرات مازده است. مبارزه ایدئولوژیک یکی از

نامه گروهی از اعضای سابق س.م.خ.ا. به روزنامه اطلاعات

گروهی از اعضاء سابق سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضاء سابق بخش منشعب از این سازمان طی نامه ای خطاب به هیات تحریریه و مسئولین روزنامه اطلاعات از تحریفات و دروغ پردازی های روزنامه ارتجاعی دولتی اطلاعات پرده برداشته و به اتهامات دروغین آن پاسخ داده اند. این نامه در اختیار تمام روزنامه های صبح و عصر و نشریات بیکار، رزمندگان، انقلاب، کار و... قرار گرفته است که ما قسمتی بی از آن را عینا نقل می کنیم:

اصلاحات
ارضی و
جمهوری
اسلامی

(۴)

در قسمت قبل به سیاست جمهوری اسلامی در قبایل مسئله ارضی و جنبشهای دهقانی در پانزده ۵۸ پرداختیم. این سیاست را در متن رشد جنبشهای دهقانی که بخصوص در پانزده شدت گرفته بود بررسی نمودیم و به ادا نه روند این سیاست و جنبشهای دهقانی در زمستان ۵۸ اشاره کردیم. اکنون در قسمت چهارم به نتیجه رشد مبارزات توده های دهقان در زمستان ۵۸ و تحولات سیاست هیات حاکمه تا پایان این فصل و تهیه طرح اصلاحات ارضی می پردازیم.

بقیه در صفحه ۸۰

در پیک رزمندگان میخوانید
• زحمتکشان انتقام خون فرامرز حمید را از جلادان خواهند گرفت.
• کارگران دلاور بولیوی: مقاومت مسلحانه در مقابل کودتاگران!
• برای افسای اعدا ضد انقلابی دومبار ز در آبادان راهپیمایی شد!
• اخبار کارگری
• اخبار کردستان قهرمان
• اخبار کوتاه
•••••

تعرض جدید خرده بورژوازی - کم در قبضه نمودن قدرت سیاسی بنوبه خود سیر تحولات مبارزه طبقاتی در سطح جامعه را تسریع نموده است. شدت یابی تضادهای درون هیات حاکمه که در اساس از رشد مبارزه طبقاتی کارگران و سایر توده های زحمتکش و در واقع از ناتوانی حکومت در تنظیم کشیدن جامعه نشأت میگیرد به مرحله جدیدی رسیده است. عدم تجانس طبقاتی در بلوک سیاسی حاکم از بدو پیدایش آن باعث آن میگشت که این تضادها به صورت اختلافات معمول در حکومتهای ارتجاعی بطور کلی، بلکه بشکل یک کشمکش همه جانبه در تمام عرصه های حکومت بروز نماید.

سخنان آیت الله خمینی در اوایل هفته قبل غیر منتظره نبود. آنچه از مدتها قبل از سوی جناح خرده بورژوازی حکومت در قالب "انقلاب فرهنگی"، "انقلاب اداری" و حملات مشخص به بورژوازی لیبرال و بخصوص اشغال دفاع تر جیه ملی و حزب ایران پس از نماز جمعه هفته قبل صورت گرفته بود در واقع انجام همان رهنمودهایی بود که بعد از زبانی خمینی جاری گشت.

"ما اشتباه کردیم کسسه غربی ها و ملی ها را در قدرت شریک کردیم" و "از این پس دیگر چنین نخواهیم کرد" این بود ظاهر آنچه "بنیانگذار جمهوری اسلامی" بوضوح متذکر شد. این سخنان

بقیه در صفحه ۲۰

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

تنها مجوز شرعی و سیاسی جدیدی برای حزب جمهوری اسلامی و شرکا - پیش در ترمزانی آزمندی قبل آغاز شده موجود آورده است. بیرون را - ندن بی پروای مهره های بورژوا - زی لیبرال از قدرتهای قانونی حکومت در یکماه اخیر شدت گرفته است. مهره هایی که تا دیروز مورد تقدیر و پشتیبانی قرار می گرفتند نظیر مدنی، خسرو شقایبی و امثالهم با خفت و خواری از مجلس بیرون شدند. مهره های دیگری چون چمران و وزدی و قطب زاده که تنها چندی قبل برای آنها طومار وحکم نمایندگی اما ما در میگذشت امروز هر کدام بنحوی به لجن کشیده می شوند. یکسال پیش خرده بورژوازی حاکم توده ها را به راه هیپامی های متعدد در پشتیبانی از باز زرگان و کابینه بورژوا لیبرال آن میکشاند و امروز با استیمال اعلام میکند "بروندگم شوند"

تغرض جدید خرده بورژوازی حاکم تنها دام عناصر شناخته شده بورژوازی لیبرال را فراتر گرفته است. بنامه سیاسی که آیت در نواز غرضتوسیم کرده بود محاسن - ه چریان بورژوازی دیگری که اکنون بیش از پیش ما هست که میکوشد خود را با شرایط حضور خرده بورژوازی در قدرت وفق دهد و روز بروز شدیدتر میشود. یعنی صدور معافیت اطراف او اگر چه هنوز مورد تشنج مستقیم قرار نگرفته اند اما هر روز خود را ضعیف تر و عاجز تر می نمایند. طرح های آنها در مورد سازماندهی ارتش بهم ریخته شده و ابتکارات اقتصادی و سیاسی آنها یکی بعد از دیگری منتهی میگردد. آیت الله منتظری سر اجتهاد بر علیه سیاستهای بلندگویی مدنی و مجری این سیاست یعنی سر اجتهاد و فضا را در کرده و انجمن اسلامی را که مرکز جواهران سرگشته ری در آنجا کشته می شود بدو است. آیت الله منتظری در بیرون مشاغل حزب جمهوری اسلامی و به تبعیتش با ارتش جمهوری اسلامی ایران از در صورت پیش و شخصیت نخست وزیر بر صراحت بر امید یعنی صدر خط پلکان کشید. کاملاً اشتباهه خواهد بود اگر ترمز جدید خرده بورژوازی حاکم را صرفاً بر علیه بورژوازی بدانیم. در واقع تلاش این خرده بورژوازی در قبضه کردن قدرت بسا

حمله بر علیه بورژوازی توام است اما ابعدا بین تعرض بسیار وسیعتر از صرفاً مبارزه درونی هیات حاکمه است. تلاش خرده بورژوازی حاکم برای تسلط بر آنچه انجمن جامعته بحران زده و رویه انقلابی است که هر دم "و خامت" و افشاز نظر ایمن خرده بورژوازی که قدرت اصلی را در حکومت دارد بدتر میگردد.

طبقه کارگر در طول تجربه خویش و بمدد افشاگریها و فعالیت کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در آن، بتدریج از زیر بار توهمات اولیه نسبت به "جمهوری اسلامی" خارج میگردد. اگر بورژوازی خرده بورژوازی حاکم قبلاً توانسته بودند از این توهمات سوء استفاده نموده و نفوذ عناصر مترجم را در میان کارگران بر علیه انقلابیون و بویژه کمونیستها تقویت کنند، اکنون این روند در حال سیر معکوس است.

طبقه کارگر در طول تجربه خویش و بمدد افشاگریها و فعالیت کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در آن، بتدریج از زیر بار توهمات اولیه نسبت به "جمهوری اسلامی" خارج میگردد. اگر بورژوازی خرده بورژوازی حاکم قبلاً توانسته بودند از این توهمات سوء استفاده نموده و نفوذ عناصر مترجم را در میان کارگران بر علیه انقلابیون و بویژه کمونیستها تقویت کنند، اکنون این روند در حال سیر معکوس است.

خارج میگردد. اگر بورژوازی خرده بورژوازی حاکم قبلاً توانسته بودند از این توهمات سوء استفاده نمودند و نفوذ عناصر مترجم را در میان کارگران بر علیه انقلابیون و بویژه کمونیستها تقویت کنند، اکنون این روند در حال سیر معکوس است. افراد این عناصر مترجم، به همراه تشدید مبارزه کارگران و نمایندگان بحق آنها در درون و بیرون شوراها برای خواستهای اقتصادی سیاسی توده است. بخشهایی سیاسی در افشای ماهیت هیات حاکمه روز بروز رواج بیشتری در کارخانجات و مؤسسات صنعتی مییابد. کوشش انجمنهای اسلامی در احیاء اعتبار روبه افول خود در میان کارگران دیگر قادر به مهار جنبشهای روبه رشد کارگری نیست.

توده های مردم در مقابل گرانی، بقیه در صفحه ۳۰

بقیه از صفحه ۱

نگاهی به...

پرداخت، و ایضا این نیست که صرفاً به اصول کلی سیستم نظری و ریشه های فکری آن جریانات پرداخته شود. و تجلی این ریشه ها و سیستم نظری را در عرصه برخورد با مبارزه طبقاتی جاری، نا دیده گرفت. اما اگر ضرورت است که در برخورد با جریانات انحرافی هم به مواضع آنها در جریان مبارزه طبقاتی روزمره و مشخص جاسمعه و هم به ریشه های فکری و سیستم نگرش آنها پرداخت، حال ایمن مسئله پیش می آید که در مبارزه با ایدئولوژیک از کجا باید شروع کرد.

از آنجا که موضعگیری های جریانات مختلف سیاسی از سویی ناشی از سیستم نگرش آنها به مسائل اجتماعی و کلا ایدئولوژی آنهاست، و از سوی دیگر محصول پراکنش سیاسی و موقعیت و عملکرد آنها در جریان مبارزه طبقاتی جاسمعه میباشند. بنابراین در مبارزه با ایدئولوژیک باید به ریشه های فکری و سیستم نگرش آنها پرداخت. و از سوی دیگر محصول پراکنش سیاسی و موقعیت و عملکرد آنها در جریان مبارزه طبقاتی جاسمعه میباشند. بنابراین در مبارزه با ایدئولوژیک باید به ریشه های فکری و سیستم نگرش آنها پرداخت.

این امر بویژه در مورد جریان معروف به خط ۲ که تشکل هایی را شامل میشود که با رویزیونیسم مدرن و شوروی سه جهان مرز بندی قاطع دارند، بیشتر صدق میکند. این امر بویژه در مورد مبارزه با ایدئولوژیک بین پیکار و رزمندگان بیشتر و بیشتر صادق است.

حالتی که توجه به این توضیح باید از رفقای پیکار پرسیده که چنانچه مبارزه ایدئولوژیک فی ما بین جایگاه اصلی آن در این شرایط است که همان برخورد به حاکمیت و نظام اوضاع سیاسی و طبقاتی جاسمعه است. در آن مواردی که چگونگی تحلیل مشخص نداشته اند، و هیچ اثری از چنین درک و تحلیل مشخصی در سطح جنبش را پیکار چشم نمیخورد؟ و از اینرو بقیه در صفحه ۵

و حدت بیشتری نسبت به دیگران بسا خویشین دارند. که مورد ما و پیکار از نوع اخیر است. دایره مبارزه ایدئولوژیک در این موارد تنگ نشود محدود میگردد و تا بسع وضعیت مشخص حدودا اختلاف و وحدت جریانات نزدیک به یکدیگر میباشند. و اگر مبارزه ایدئولوژیک ما بین جریانات نزدیک به یکدیگر، ایمن عامل را یعنی وضعیت مشخص حدودا اختلاف و وحدت فی ما بین را در نظر نگیرند، و از میان خطوط اختلاف بنا بر ضرورت اصولی وحدت به برخی از آنها اولویت و اهمیت ندهند، آنگاه با یکدیگر که مبارزه ایدئولوژیک حول "مسائل غیر ضروری و بیعنوان" پاسخی برای اقلیت کنجکاوای های روشنفکرانه خرده بورژوازی و یا محدود نگرینگری گروه گرایانه صورت گرفته است.

حال با چنین توضیحی با استقبال نبرد ایدئولوژیک پیکار می شنایم، و طبیعی است که مقدماتاً باید ببینیم که آیا سازمان پیکار با توجه به وضعیت مشخص اختلاف و وحدت خود با رزمندگان مبارزه آغاز نموده، و از میان خطوط اختلاف خویش با رزمندگان بر روی مهمترین و اولیترین آنها انگشت گذاشته است یا نه؟ پس از آن به فحوای کلام پیکار پرداخته، و روشن خواهیم ساخت که آنچه پیکار در باره رزمندگان اظهار داشته بجاست یا نایجا، و انتقاداتی که ایراد نموده، وارد است یا نوارد؟

از نظر ما عرصه اصلی مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی همان برخورد به حاکمیت و اوضاع سیاسی - طبقاتی جاسمعه میباشند و حول این محور است که تمام مواضع اساسی جریانات مختلف خود را به نمایش میگذارند، و تا شیر خود را در چنین و چنان بر خوردی، با حاکمیت متعکس مینمایند، و جریانات مختلف رویزیونیستی، پراگماتیستی و دکماتیک انقلاب دمکراتیک و تضاد خلق و امپریالیسم و... جوهر عقیده خود را در برخورد با حاکمیت و برتری سی اوضاع سیاسی بنمایش میگذارند. و در اول مبارزه ایدئولوژیک بسا جریانات مختلف انحرافی، ایمن نیست که صرفاً در محدوده برخورد با حاکمیت و اوضاع سیاسی به نبرد با آنها پرداخته شود، و بلکه باید به ریشه فکری و سیستم نگرش آنها

ضمیمه پیکار ۶۲

بقیه از صفحه ۴

نامه گروهی از ...

۱۶۱۸۴ - ۱۹

هیات تحریریه و مسئولین روزنامه اطلاعات

در شماره ۱۶۱۸۴ روزنامه اطلاعات مورخ سه شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۵۹ تحت عنوان "نامه وکیل تقی شهرام به رئیس جمهور" مطالبی پیرامون موقعیت و عملکرد رفیق تقی شهرام و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران و بخش منشعب از آن آمده بود که جز تحریف حقایق و تکذیب واقعیات نمیتوان بر آن نامی نهاد. ما نویسندگان این سطور، عده ای از همسران سابق تقی شهرام، عده ای از اعضا سابق سازمان مجاهدین خلق ایران هستیم که پس از تغییر و تحولات سالهای ۵۴ - ۵۳ در بخش منشعب از آن سازمان و به همراه رفیق شهرام فعالیت انقلابی خود را علیه رژیم وابسته شاه خائن و مبرها لیس جهانی، ادامه داده ایم.

ما بعنوان کسانی که بیش از همه بر رویدادهای درون سازمان مجاهدین خلق، و پروسه تحولات و مبارزات آن در سالهای خفقان قبل از انقلاب بهمن ۵۷ تا گاهی دارند و بعنوان کسانی که خود از نزدیک بر شرایط حاکم بر مبارزه انقلابیون دهه اخیر صیقل یافته و آشنایی داشته و با تمام پوست و گوشت آن اثرات رالمس و درک نموده اند، و بعنوان انقلابیون از جانی گذشته ای که از مشکلات راه، از حبس و زجر و شکنجه، از خانه بدوشی و آوارگی انقلابی، از کشته شدن و قربانی دادن نهراسیده و سخت ترین و مصائب ترین شرایط خفقان و آوارگی را تحمل نموده، و در زمانیکه بسیاری از مدعیان کنونی یعنی میوه چنان مبارزات انقلابی و قیام مردم زحمتکش، بنحوی از انحاء یا سازش و تسلیم پیشه کرده و یا با دشمنان خلق همکاری و معاضدت داشته، برای برافراشته ماندن پرچم مبارزات خلق خود صمیمانه و با تمام توان خود کوشیده اند، لازم دانستیم، مراتب تحریف آمیز و سراسر دروغ مندرج در شماره فوق الذکر روزنامه اطلاعات را توضیح داده و از شما بخواهیم طبق قانون مطبوعات توضیحات ما را در روزنامه برای زدودن آثار سوء و زیانها بر آن اکاذیب درج نمائید.

اطلاعات مینویسد: "..... تقی شهرام پس از دستور قتل مجید شریف واقفی و توطئه برای قتل مرتضی صمدیه لبا فک منجر به دستگیری و اعدام وی گشت و بعد از انحلال عملی سازمان مجاهدین خلق از ایران خارج شده و در پهن جنوبی گهگاه اعلامیه هایی تحت نام مجاهدین خلق صادر می نمود و تنها بعد از پیروزی انقلاب سر و کله اش پیدا شده....."

در این متن چهار دروغ و تحریف بزرگ مستقیم قابل شمارش است، گفتیم مستقیم، زیرا وقتئسی این دروغ ها در کنزرفهای عمومی تبلیغاتی که توسط رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران، گروه های مغرض و باندهای توطئه گرزدا انقلابی و مرتجع، ایجاد شده است قرار گرفته اند و می توان دروغ های بزرگتر و افسانه های عجیب و غریبی را در آن سطور مشاهده کرد که هدفش تسویه حسابهای ایدئولوژیک - سیاسی با ترفیخواهان انقلابیون و کمونیست ها، ایجاد اغتشاش فکری و تشویش برای مساعدموندن زمینه القاء هر خرافه و وهمی در افکار عمومی مردم میباشد.

● ۱- انتساب دستور قتل مجید شریف واقفی و توطئه برای قتل صمدیه لبا فک به رفیق شهرام، منتزع و مجزی از کلیه رویدادهای سیاسی - ایدئولوژیک مناسبات و تمهیدات تشکیلاتی درون سازمان مجاهدین، منتقل از کلیت فعالیت انقلابی این سازمان، منتقل از مناسبات نظامی و جنگی حاکم بر تشکیلات در سالهای قبل از قیام ۵۷، و همینطور منتقل از روند ناگزیر سیاسی - تشکیلاتی کلیه فعالیت ها، عملیات و تصمیمات این سازمان، رهبری، کادرها و اعضا آن، تحریف بزرگ واقعیتی است که نویسنده متن اطلاعات قلم بدان می آید. اطلاعات برای این حقیقت که کلیه فعالیت تقی شهرام بعنوان عضو مرکزیت یک سازمان انقلابی - سازمانی که سراسر تاریخ حیاتش با مبارزه انقلابی و با شکنجه، خون زندان و شلاق و مقامت و مبارزه قهرمانانه در مقابل امپریالیسم و نوکران داخلی اش عجین است، در دوران یک مبارزه حاد انقلابی و تحت خونبارترین شرایط با پدمورد آرزیایی قرار گیرد، بهره، تحریف و اغماض کشیده است. و بدین ترتیب جریانی اختلافات و درگیری های درون سازمان، در سالهای ۵۴ - ۵۳ که منجر به شهادت تاسف بار رودریغ انگیز مجید شریف واقفی گردید، را بعنوان دستوری فردی، منتزع از روند تصمیم گیری در یک سازمان انقلابی، منتزع از پروسه طولانی ای که به یک تصمیم می انجامد و با لایحه جدا از مناسبات متقابل و ارگانیک یک یا چند فرد با کل سازمان، عنوان می نماید.

انتزاع یک جزء از کل خودش و قضاوت در مورد کل بر مبنای آرزیایی آن جزء به هیچ وجه نمیتواند ذره ای از حقیقت را در بر داشته باشد و در واقع سار و پویش کننده حقیقت است. یعنی آرزیایی از سازمان مجاهدین و بخش منشعب از آن و فرد رفیق شهرام در سالهای سیاه رژیم شاه از روی این با آن حادثه اشتباه یا انحرافی و منفک از کل حرکت انقلابی آنان، مسلمانان از کمترین حقیقت و مشروعیتی است. چنین قضاوتی درست به این میماند که ما، ماه و خورشید را از روی لکه های تاریک سطح آن یا لکه ابرهائی که گهگاه از رسیدن مستقیم نور آنها جلوگیری میکنند آرزیایی کنیم. و با این نتیجه برسیم که خورشید و ماه تنها منابع و اجسام نوری نیستند بلکه چیزی جز ظلمت و تاریکی در آنها نمیتوان یافت.

● ۲- دومین دروغ بزرگ منتزع از جانی اطلاعات حاکمی از انحلال عملی سازمان مجاهدین خلق است که به رفیق تقی شهرام انتساب داده است. دروغ اندر دروغ، انحلال عملی سازمان آنهم توسط رفیق شهرام، آیا یاد از آقایان خبر پردازان پرسیدار از انحلال چه موقع بوده است؟ در کدام سال این انحلال صورت گرفته است؟ آیا مردم ما باید دروغ های رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران را بسا و رکنند

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۲

سرمقاله

بیکاری و فشا روز افزونی که در موم - ارددیگرا از ترافیک گرفته تا عدم امنیت سیاسی و اجتماعی در محفل کار روزندگی خود احساس میکنند امید خود را به وعده های جمهوری اسلامی از دست میدهند. خواست به تغییر اساسی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه هر روز در میان عده بیشتری از توده ها شیوع مییابد. خواستی که بطور کلی روبرو تکامل و انقلاب دارد اما مستعد سو استفاده ضد انقلاب سرنگون شده ای نظیر جریانات بختیار، اویسی و امثالهم نیز هست.

در شرایطی که یک ضد انقلاب میکوشد تا با اختصا ق و گسترش شبکه ارتجاعی خود در جامعه مسلط شود و ضد انقلاب دیگری در مدد سو استفاده از زمینه های مخالفت با آن است، وظیفه ما تشدید ترویج و تبلیغ در میان توده ها - ما ندهی طبقه کارگر و توده ها - های زحمتکش مستقل از هر دو جریانات ضد انقلابی است.

بحران اقتصادی در ایران از دو جنبه، کاملاً متفاوت در وجه تشدید است. از یک سو توده های مردم بر علیه نظام مختلف سرمایه داری بنده مبارزه برخاسته و آهنگنده نظام اجتماعی، اقتصادی را به خطر انداخته اند و از سوی دیگر بورژوازی از طریق احتکار و انتقال سرمایه به زمینه های سود و غیر تولیدی و انتقال آن به خارج بناچار بر بحران اقتصادی می افزاید، محاصره نسبی امپریالیستها نیز که برای وارد آوردن فشار به توده های مردم و کسب امتیازات از حکومت است و خامت اوضاع اقتصادی را بیشتر میکند. خرده بورژوازی حاکم نیز با عملکردهای سردرگم، متناقض و هر چه و مرج مآبانه اقتصادی و سیاسی علی رغم میل و اراده خویش بحران اقتصادی را شدیدتر مینماید. بر چنین جامعه بحران زده و روبه انقلابی است که خرده بورژوازی حاکم میکوشد تا سلطه خود را اعمال کند. آنها چاره ای جز این ندارند که تمام "تقسیر" ها را متوجه "ملی و غربی ها"

بقیه از صفحه ۳

با واقعیت وجودی هسته‌ها و تیم‌ها و اعضا و سمپا تیزانهای سازمان متبوع ما در تهران و شهرستانها که بطور متشکل فعالیت می نمودند. چگونه روزنامه اطلاعات بر عملیات انقلابی سازمان مدارسهای ۵۶-۵۵ - ۵۴ یعنی بعد از اعلام تحولات و رویدادهای ایدئولوژیک درون سازمان، چگونه بر فعالیت تبلیغی این سازمان چگونه بر عملیات اعدام انقلابی مستشاران نظامی و جاسوسان آمریکایی، در سالهای بین ۵۵-۵۴ که آخرین آن اعدام انقلابی سه تن از جاسوسان (روبرت کرون گارد، ویلیام کاتزل، دونالد اسمیت) بود برده، اغماض می کند. چگونه عملیات مسلحانه، حماسی و بیگانه زنجش مردم شمیران (سپه) (انفجار در شهرداری و پلیس شمیران نو) و پخش اعلامیه های مربوطه چگونه درگیری، دستگیری و شهادت دهها تن از رفقای ما در همین سالها مورد تجاهل واقع میگرد. تنها سال ۵۵، دهها تن از رفقای ز ز منسده، ما، رفقای که هم سنگروم رزم رفیق شهرام نیز بودند با دستگیر شدن و با درگیری به شهادت رسیدند. در آبان ۵۵ رفیق دلیر ما بهرام آرام، در درگیری مسلحانه خویش در آستان انقلاب ایران ریخته شد و رژیم شاه خاشاک با خوشحالی خیرشهادت وی را بدرستی به عنوان رهبری سازمان ما در صفحات روزنامه های مزدور آرزوی درج نموده درک واقعبینان فوق نیازی نه به هوش و فراست زیادند احتیاجی به مطالعه و تحقیق دارد، این واقعاتی است که تمام مطبوعات دنیا بر صحت آن اذعان دارد، کافی است شما هم نگاهی به آرشیو روزنامه اطلاعات ببینید. اسناد مربوط به فعالیت انقلابی سازمان ما را در سالهای ۵۰ ملاحظه نمائید، البته اگر اسناد همچنان روزنامه نگاران و خبرنگاران متعصب اطلاعات که تحت همین پوشش "طغونی" و به همراه تنی چند از آنها، مورد "تصفیه" و "پاکسازی" واقع نشده باشند!

آری نویسنده و نویسندگان متن مورد بحث (سازمان مجاهدین خلق و بخش منشعب آن هرگز منحل نگردید، و هرگز فعالیت انقلابی را تا قیام بهمن ۵۷ چه در میدان مبارزه چریکی با مزدوران رژیم چه در پهنه فعالیت سیاسی آگاهانه و چه در سنگرزندان ترک نکرد، بلکه حتی مضمون و محتوای آن را ارتقاء داد، اسناد مدارک منتشره در آن سالها از جانب سازمان و اسناد مدارک موجود در آرشیو ساواک و آرشیو مطبوعات همگی گواهی می دهند که چه قبل از سال ۵۴ و چه بعد از آن، سازمان مجاهدین خلق ایران و سپس بخش منشعب آن یک لحظه نیز فعالیت متشکل انقلابی را رها نکرد و یک لحظه نیز مانده بسیاری از انقلابیون میکروفونی کنونی سنگرمبارزه را خالی نگذاشت.

۲- سومین دروغ و تحریف آشکار "خارج شدن" محمد تقی شهرام پس از "انحلال" از ایران و رفتن به یمن جنوبی و صدور اعلامیه ای گسگناه، تحت نام مجاهدین خلق توسط وی می باشد. در افشای این دروغ و تحریف بنکات زیر توجه خواننده را جلب می کنیم:

الف- رفیق تقی شهرام بنا بر تصمیمات سازمانی در اوایل خرداد ۵۶ یعنی پس از ۹ سال مبارزه انقلابی و پس از ۴ سال زندان و زندگانی مخفی انقلابی برای پاسخ گویی به برخی نیازهایی که توسط رهبری و کادرهای سازمان تشخیص داده شده بود به خارج رفت، این تصمیم از جانب رهبری و کادرها با این دید و چشم انداز صورت گرفته بود که فعالیت سازمانی خود را در آنجا حفظ کرده، یعنی درست برخلاف موضع عافیتجویانه و تسلیم طلبانه ای که با حرکت از آن، انقلابیون "میکروفونی" کنونی رها کردند و گناههای بن و راین افکنند و در آسمان خراشهای سربه فلک کشیده آمریکا مآمن و مسأوا گردیدند.

ب- رفتن رفیق شهرام به یمن جنوبی دروغ دیگری است که روزنامه مزبور آن را اثبات میدهد. این درست است که دامنه فعالیت انقلابی رفقای ما تا جنوب یمن، تا میدانهای جنگ انقلابی ظفار و فلسطین، دامنه داشت. این درست است که رادیوی جبهه خلق برای آزادی عمان ساخته شد. اما برای فعالیت رفقای ما در یمن اختصاص میداد، اما این جز کوچککی از فعالیت مبارزاتی سازمان ما بود، این دروغ بزرگی است که رفیق شهرام آنهم پس از اصطلاح "انحلال" ادعایی روزنامه به یمن رفته باشد و آنجا اعلامیه های سازمانی را تحریر و توزیع نموده باشد. همه رفقای ما چه اعضا و چه سمپا تیزانها میدانند که تمام اعلامیه ها و نوشتارهای سازمان، در ایران متمرکز بوده که در تهیه و تحریر آن رفیق شهرام نقش اساسی و عمده را داشت، در همین ایران، در درون سلسله های تشکیلاتی تهیه شده بود. اعلامیه ها و نوشته های که بدرستی فعالیت انقلابی متشکل دهها و صدها عضو سمپا تیزان، هوادار سازمانی نداشتند، آن بود. این دروغ بزرگی است که میخواهد فعالیت انقلابی سازمان ما و رفقای ناراضی نموده و مبارزه افتخار آمیزی را که بخون مدها شهید و زخمی رنگین شده است را در قالب اعلامیه هایی که یک فرد آنهم در یمن مینوشت و نام سازمانی بر پای آن مینهادند محو و رخنه نماید.

۲- روزنامه اطلاعات سپس با لحن توهین آمیزی، دروغ کشید دیگری را به افکار عمومی مردم ارائه میدهد. روزنامه مینویسد: "تقی شهرام تنها پس از پیروزی انقلاب سر و کله اش پیدا شده". نویسندگان عبارت فوق در واقع از انقلاب و انقلابی همان زندگی میوه چنان انقلاب، "انقلابیون" معتکف در اروپا و آمریکا را که پس از گرفتن تضمین های لازم با برپلکان هواپیما گذارده و بهر موج مبارزه و احساس انقلابی مردم، نزول اجلا فرمودند و امروز در مصاف میکروفونی غی سبقت از هم میریابند را می فهمد.

آری، جناب نویسنده اطلاعات! این اربابان و کارفرمایان جنابعالی هستند که پس از اقامت ۲۰- ۱۵ ساله در فرنگ و پس از انقلاب سر و کله شان پیدا شد. در حالیکه رفیق ما محمد تقی شهرام از سال ۴۵- ۲۲ در میان همین مردم و در شرایط خفقان و سرکوب محمدرضاهاهی که آن جنابان، نفس از ترس در

بقیه در صفحه ۷

سرمقاله

بنما بپندتا شاید توده ها را با رادیکال برگرد برنا مه ها و تبلیغات غسود جمع آوری و با بهترین گوشتیم از پرا- کندی توده ها از اطراف خود جلوگیری کنند، اما منطق تاریخ چون پتک بر فرق سرتها کوبیده خواهد شد.

مشخصات تعرض جدید خرده بورژ- وازی اولاً، سرکوب کلیه جریانات سیاسی مخالف با آنهاست اعم از نیروهای انقلابی و ضد انقلابی و ثانیاً: تسلط شکل های ارتجاعی نظیر انجمن های اسلامی بر ادارات و موسسات و ارتش است.

و ثالثاً: انحمارا رگانهای دولتی در دست دستجات ضد انقلابی سیاسی نظیر حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین است.

خرده بورژوازی حاکم نیز با عملکردهای سردرگم، متناقض و هرج و مرج مآبانه اقتصادی و سیاسی علی رغم میل و اراده خویش بحیران اقتصادی را شدیدتر مینماید.

طبیعی است که این تعرض از یک سوا تحاد و انجام ضد انقلابی بورژوازی را در خارج از حکومت تشدید نموده و پایگاه های اصلی امپریالیسم را فعال تر و جویورتر خواهد ساخت و لذا توطئه های آشکار و نهان مستقیم امپریالیسم را نیز بیشتر میکند و از سوی دیگر موج تاراجی اعتراض و تمایل توده ها به دگرگونی های اساسی در جامعه را نیز بر سرعت رده خواهد داد. اینست اوضاع بغربنجی که طبقه کارگر و توده های زحمتکش با آن روبرو هستند و انقلاب بیون و بویژه کمونیستها میبایست توده ها را جهت مقابله با آن آماده کنند.

در شرایطی که یک ضد انقلاب میکوشد تا با اختناق و گسترش شبکه ارتجاعی خود در جامعه مسلط شود و ضد انقلاب دیگری در مدسوا استفاده از زمینه های مخالفت با آن است. وظیفه ما تشدید ترویج و تبلیغ در میان توده سازماندهی طبقه کارگر و توده های زحمتکش مستقل از هر دو جریانات ضد انقلابی است. وظیفه ای که تنها با کوشش وحدت آمیز تمام کمونیستها و تلاش متعدهانه تمام انقلابیون موفق خواهد گذشت.

نگاهی به...

سو، و از سوی دیگر نتیجه آمیزش سرمایه‌های تجاری ایران با بازار کارکاپیتالیستی اروپا و پیدایش بورژواکمپرادورهای ایرانی بود.

گسترش برادرات تجاری ایران و اروپا موجب رخنه تدریجی شاخ و برگ‌های سیستم جهانی سرمایه‌داری بدرون اقتصاد ایران گردید. ورود کالاهای اروپایی به ایران را به بازار جهانی کاپیتالیستی وصل مینمود، و هم‌اینکه بسیاری از موسسات صنعتی را با گذشت زمان و آردا به تعطیل فعالیت میکرد، و میدان را برای ورود هر چه بیشتر کالاهای خارجی باز میگذاشت. چنگ انداختن سرمایه‌های خارجی بر روی نقاط حساس اقتصاد دی کشور مانند نفت، گمرکیات و بخصوص ایجا دبا نك و توسعه قرضه‌های ایران از خارج هر چه بیشتر سرمایه‌داری جهانی و قانسون ارزش سیستم جهانی سرمایه‌داری را بر اقتصاد ایران مستولی گرداند، و قلمرو محدود و بسته سرمایه‌داری و بازار داخلی ایران را بنبطع سرمایه‌داری لیستی و با- بازار جهانی بازگشود.

کارگزار سرمایه‌داری همان بورژوازی ملی ایران بود در جری بان انقلاب مشروطه و در اولین تلاشهای جدی برای مسلط نمودن خود در مقابل فتووالیسم و امپریالیسم با سیزمین خورد و پس از چندی رضاخان قلدرضبات مهلکی برپیکران وارد ساخت، و برای سالها کوچکترین مجرای تنفس سیاسی را از وی سلب نمود. ولی رضاخان برخلاف ضربات سختی که بر بورژوازی ملی وارد نمود، وسیعاً به رشد و توسعه اقتصاد کالایی و سرمایه‌داری همت گمارد و دایره بازار داخلی را بزیمن دیوارهای بسته و محدود فتووالی بسط و گسترش داد. ایجا دراهای مختلف شوشه و نیز راه آهن درکنار تاسیس کارخانجات مختلف تا شیرفرآوانی در بسط مناسبات کالایی و توسعه روابط سرمایه‌داری داشت. پیروان تضاد عمده خلق و

امپریالیسم حتماً از این گفته‌ها برآشفته خواهند شد، و با صدای بلند به اعتراض خواهند گفت که مگر میشود که حکومتی وابسته به امپریالیسم به رشد و گسترش نیروهای تولیدی و اقتصاد سرمایه‌داری در یک کشور نیمه فتووال دست زند؟ و بعضی از خوانندگان ممکن است بگویند که این چه سؤال احمقانه‌ایست! مگر میشود با داشتن مورد حکومت محمدرضا شاه و فرم ۴۲ در مقابل، ادعا نمود که حکومت وابسته به امپریالیسم به توسعه نیروهای مولد و بسط اقتصاد سرمایه‌داری دست نمیزند؟ نه فقط این سؤال چندان غریب نیست این حکم که حکومت وابسته به امپریالیسم مانع از رشد نیروهای

میباشد، نه میل به سرمایه‌گذاری امپریالیستی، اما آنچه باید توجه داشت اینست که این گسترش وسیع سرمایه‌داری در زیر سلطه امپریالیسم، بشکل وابسته به سیستم جهانی صورت میگرفت و این توسعه سرمایه‌داری را نه هر چه بیشتر اقتصاد کشور را تحت سلطه امپریالیسم درمی‌آورد. اما نکته‌ی که در اینجا باید توجه داشت آنست که اینگونه رشد سرمایه‌داری که همزمان رشد وابستگی را هم موجب میگشت تنها با انگیزه و محرک "سرمایه امپریالیستی" صورت نمی‌گرفت و در عین حال توسعه وابستگی در این زمینه‌ها بدان صورت نبوده، که بپیکار رزمندگان نسبت میدهد، یعنی آنکه ابتدا سرمایه‌داری

مستعمره سهمی مهم ایفا نمود. توسعه اقتصاد کالایی و سرمایه‌داری که هر چه بیشتر اقتصاد ایران را زیر سلطه امپریالیسم برد بود، چنان شیرازه سرمایه‌داری را بست نمود، که در آستانه بنا بودی قرار گرفته این توسعه سرمایه‌داری را نه همان توسعه سرمایه‌داری وابسته بود، و این توسعه چنانکه دیدیم محصول آنچنان پیروسی نبود که بپیکار از او به درک رزمندگان تصویر میکند. بدین معنا که ابتدا سرمایه‌داری گسترده با شد، و نیاز به توسعه بیشتر همین سرمایه‌داری را به سرمایه‌داری تبدیل نموده باشد، نه این پیروسی مخالف جهت سرمایه‌داری رزمندگان مینمود، و رشد آن بر بستر تضعیف

پیروسی شکل گیری و توسعه سرمایه‌داری وابسته هم ناشی از گسترش سرمایه‌داری وابسته داخلی و هم محصول صدور سرمایه‌های امپریالیستی بود، و کلاً بر پایه خرابه‌های سرمایه‌داری ملی به پیش می‌خیزد. این پیروسی در ادامه خود بر اثر شدت تضادات اقتصادی و سیاسی جامعه ایران و بخصوص بواسطه دخالت امپریالیسم و فشار و اصرار آن داور بر انجام فرم ارضی و تضعیف فتووالیها و فتووالیسم، منجر به غلبه سرمایه‌داری وابسته به بنا به یک سیستم اجتماعی بر ایران گشت.

مولد و توسعه اقتصاد سرمایه‌داری است، با قطعیت اصول هندسی اقلیدسی تا دوسه سال پیش مطرح میشد، و حتی هم اکنون نیز از جانب پاره‌ی از نیروهای سیاسی طرح میشود. این گمان با اعتبار اینک که امپریالیسم مانع از رشد سرمایه‌داری ملی و مستقل بوده، و آنرا در هم میکشند، و قلمرویش را بصبغ خویشتن درمی‌آورد، چنین حکم میگرداند که امپریالیسم مانع از رشد سرمایه‌داری بطور کلی است. حال آنکه اولاً امپریالیسم بسا رشد و توسعه سرمایه‌داری وابسته به خود در نقاطی که برایش سودآور بود، همراهی میکند، تا دنیا محرک و نیروی دینا میکشند. سرمایه‌داری در کشورهای تحت سلطه فقط امپریالیسم نبود، بلکه نیروهای داخل کشورهای آن تحت سلطه و کلاً بازار داخلی آن کشورها نیز میل به رشد و گسترش داشتند، و موجب اصلی این گسترش در این مورد اقتصاد داخل کشور

مستقل رشد و توسعه یافته باشد، و در مرحله‌ی از تکامل خود به وابستگی رسیده باشد، بلکه رشد سرمایه‌داری همزمان بود با رشد وابستگی، و اصلاً بصورت وابسته رشد نمیکرد. بدین ترتیب دوره رضاشاه، دوره‌ی از بسط سرمایه‌داری وابسته و گسترش سرمایه‌داری وابسته بزبان سرمایه‌داری ملی بوده است و حتی در آستانه نفت نیز در جهت توسعه وابستگی سرمایه‌داری وابسته عمل می‌کرد. بعداً دوره رضاشاه هر چه یک دوره رشد سرمایه‌داری وابسته بندهای اقتصاد متمرکز دوره رضاشاه بوجود آمد، اما از سال ۳۳ به بعد هم در اثر سیاست درهای باز و هم بدنبال سرمایه‌گذاریهایی که یکمک اعتبارات دولتی و صدور سرمایه امپریالیستی صورت گرفته اقتصاد کالایی و سرمایه‌داری ایران سریم توسعه یافت و شکافهای شدیدی در دیوار پیوسته فتووالیسم ایران بوجود آورد و در تشدید تضادات جامعه نیمه فتووالیونیمه

سرمایه‌داری صورت میگرفت، و به مقیاس زیاد محصول توسعه سرمایه‌داری وابسته داخلی اعم از دولتی و خصوصی و صدور سرمایه امپریالیستی از سوی دیگر بود. بنا بر این پیروسی شکل‌گیری و توسعه سرمایه‌داری وابسته ناشی از گسترش سرمایه‌داری وابسته داخلی و هم محصول صدور سرمایه‌های امپریالیستی بود، و کلاً بر پایه خرابه‌های سرمایه‌داری ملی به پیش می‌خیزد. این پیروسی در ادامه خود بر اثر شدت تضادات اقتصادی و سیاسی جامعه ایران و بخصوص بواسطه دخالت امپریالیسم و فشار و اصرار آن داور بر انجام فرم ارضی و تضعیف فتووالیها و فتووالیسم، منجر به غلبه سرمایه‌داری وابسته به بنا به یک سیستم اجتماعی بر ایران گشت. " ادامه دارد "

در آینده نزدیک ما این ادعاها و احکام کلی را بزیور تحلیل مشخص خواهیم آراست.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بورژوازی لیبرال بکلی مخالف طرح رضا اصفهانی بود و مسامحه به تمام حربه‌های خودیان به مخالفت برمیخواست. بخصوص در "جمهوری اسلامی" ارائه استدلال در قالب شرعیات مورد استفاده بورژوازی قرار میگرفت. بورژوازی ایده گسترش مالکیت دولتی تباری حدتعرض به مالکیت خصوصی خود را خلاف "مقدس بودن مالکیت" و اصول اقتصاد دواخلاق سرمایه‌داری میدانست و نمیتوانست منافع خود را با آن تطبیق دهد. نمایندگان آن از روحانی و غیرروحانی بفریب داد درآمدن و از حقوق مالکیت دفاع برخاستند. ازبازرگان و ایزدی و معین فرگرفته تا آیت الله‌هایی چون قمی و روحانی و شریعتمداری از انواع طرق نظیر کنفرانس و فتوا به مقابله مشغول شدند. بخصوص روحانیت بورژوا به حدیث و توضیح المسائل متوسل شده و "امام" را به خطرات تعرض به مالکیت خصوصی بورژوازی آگاه مینمود. مراجع مشهد "رنج سفر" را متحمل شدند. اگر انقلاب آنها را از خانه بیرون نکشیده بود، قدسیت مالکیت بورژوازی آنها را فرستگها از حربه‌های خود دور نمود.

نوسان و گیجی در خرده بورژوازی حاکم بخوبی دیده میشود. آنها نمیتوانستند ضرورت‌های ناشی از رشد "خطرناک" جنبش‌های دهقانی را با موضوع "مقدس بودن مالکیت" و مثلا "مالکیتی که ز راه - حمت شخصی و مشروع عدست آمد مباحثه" از طریق "مزارعه" حاصل شده باشد تطبیق دهند. خرده بورژوازی حاکم اگر چه بسط مالکیت دولتی را تا حد مالکیت خرده بورژوازی مرفه بلا مانع میدید و ایمن مالکیت دولتی را نمیتوانست بعنوان مالکیت خدایا دولت اسلامی توجیه کند اما با همین کار خود با آتش بازی کرده بود که نمیتوانست دامن خودش را نیز بگیرد. خرده بورژوازی حاکم مجبور بود از همان مسئله تقدیس مالکیت و احترام به مشروعیت مالکیت در یک حد معین دفاع کند و محکم هم دفاع کند و بر علیه "مشرکین و کفار و فساد انقلابی" یا همان توده دهقان و انقلابیون شمیر بکشد. ما این حد کجاست که هم بتوان از عهده، فقه شرع بورژوازی برآمدهم! از عهده خرده بورژوازی انقلابی و کارگران؟ خرده بورژوازی میدید که با بورژوازی وجه اشتراک فراوانی دارد و بخصوص فقه و مذاهب آنها را بهم پیوند میدهد. رضا اصفهانی از او اخروی ماه طرخی را تهیه و به شورای انقلاب داده بود تا بتواند جامع جمیع تناقضات فوق باشد. اگر چه خطوط کلی طرح او روشن است اما به هیچ وجه هنوز به تصویب و اجرا نرسیده و در دست بر سر مسائل فوق کشمکش آشکار و پنهانی در جریان بود. در این میان جنبشهای دهقانی از سرگشتگی هیات حاکمه، از انفعال آن و از تشتت درون ارگانهای حکومت بهره‌جسته به کار انقلابی خود مشغول بودند. آنچه بعد از روزنامه‌های رسمی به آن معترف شدند گویند و واقعیتی است که در صحنه روستاها در جریان بود.

غروی استانداری آذربایجان غربی گفت: "قبل از اینکه آقای اصفهانی معاون وزارت کشاورزی بشوند و طرح خود را ارائه دهند ما در منطقه اراضی وسیع و قابل توجهی را از فساد الهی گرفتیم و تقسیم کردیم که هم اکنون در اختیار زارعین میباشند و یک فصل کشت را نیز به دست سرگذاشته اند." (اطلاعات ۱۹ - ۱۲ - ۵۸)

اول البته نمیگوید که این کاری بوده است که خود دهقانان انجام داده و کاملاً برخلاف قانون هم بوده است. او با استناد ارگومان که گفت:

"طرح رضا اصفهانی هنوز در سطح استان کرمان پیاده نشده اما قبلاً یکسری زمینها را استانداری (ز) میمان مردم تقسیم کرده است. مثلاً در "ماهان" زمینهای موا-

بیت‌شان کشاورزان تقسیم شده است. و البته سبب در اینجا هم استانداری آنها را که دهقانان خود انجام داده اند صرف کاری که سنا به قانون "واگذاری اراضی موات" انجام شده جا میزند و یکجا بعنوان فتوحات خود عرضه میکند. هم چنانکه در قسمت قبل متذکر شدیم جنبشهای دهقانی در زمستان ۵۸ ادامه مییافت. و این در حالی بود که شورای انقلاب و محافل مختلف درون و بیرون جمهوری اسلامی به کشاکش بر سر چگونگی اصلاحات اجتناب ناپذیر مشغول بودند. طول این مدت کشمکش، تنه‌ها وضعیت سردرگمی ارگانهای جمهوری اسلامی را بدتر مینمود و در مقابل جنبشهای دهقانی به انفعال و تناقض میافتا. اما همه این مصیبت‌ها "هنوز برای هیات حاکمه‌ای که بپرسی" مسئله وحشتناک خدشه به مقدس بودن مالکیت "مشغول بود قابل تحمل بود. جنگ دوم در گنبدزنگ کفایت مذاکرات را بصداء آورد.

در ۲۹ بهمن ۵۸ گنبد به خون کشیده شد. زمینه جنگ رشد جنبش دهقانان و قدرت شوراها دهقانی از یکسو و تلاش ارگانهای جمهوری اسلامی در سرکوب این جنبش از سوی دیگر بود. پاسداران از تجمع توده‌های ترکمن صحرا که به دعوت سازمانهای چریکهای فدایی خلق روانه گنبد میشدند جلوگیری کرده و بر روی تجمعی که به حال در گنبد تشکیل شده بود آتش گشودند. اما همه کس میدانست که زمینه اصلی مبارزه تضا دهقانان ترکمن که در شوراها متشکل شده بودند با نظم حاکم بروستاها است. چهارتن از رهبران کانون فرهنگی خلق ترکمن توسط پاسداران وابسته به حزب جمهوری اسلامی ربوده شده و بطرز مر موزی به قتل رسیدند. هوار اقامات ضد انقلاب حاکم میرفت تا در تمام جامعه تا شیر بگذارد. هیات حاکمه با دروغ و انگار و افترا گوشتید تا لکه ننگ را بیوشانند اما در عین حال مجبور به اتخاذ تصمیم در باره طرح اصلاحاتی گشت که مدت‌ها بر سر آن به ماتم عزانشتی بود. حتی قبل از طی آخرین مراحل قانونی تصویب طرح اصلاحات ارضی حکومت عجولانه به دست و پا برای کاهش وضعیت متشنج ترکمن صحرا افتاد.

بار دیگر جنبش دهقانی از گوشه‌ای از ایران به اتصال درآمد و سینه دهقانان تا ماچ گلوله‌های پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفت. از نظر هیات حاکمه فاجعه گنبد تنها یک معنا داشت: تشریح در تصویب طرح اصلاحات ارضی از شش ماهه که از اولین نغمه‌های اصلاحات ارضی میگذاشت شورای انقلاب لب از سخن گشود:

"تصویب لایحه زمین در شورای انقلاب اعلام شد" (کیهان - ۱۱ اسفند ۵۸)

شورای انقلاب بد رستی این لایحه را تصحیح شده لایحه واگذاری اراضی و احیای اراضی "مصوب ۵۸/۶/۲۵ همان طرح بورژوازی لیبرال مغزی نمود. اما واقعیت اینست که هنوز کشمکش بر سر جزئیات ادامه داشت و جزئیات طرح تا ۲۶ فروردین ۵۹ به تدوین در نیامد. وقتی ادامه نزاع درونی مانع آن گشت که تا او آخر اردیبهشت ۵۹ به اجرا درآید. از اسفند ۵۷ تا اسفند ۵۸ بمدت یکسال جنبشهای دهقانی از کربستان تا ترکمن صحرا، عرصه‌ای بوسعت ایران را در هم نوردیدند. صد ها حرکت دهقانی در اشکال مختلف از شکایت گرفته تا مبارزه مسلحانه صورت گرفت تا عاقبت هیات حاکمه جمهوری اسلامی بر آن شد تا عقب نشینی‌های اجباری و شکستهای آشکار خود را در قالب یک طرح متوسل نماید. طرحی که از یکسوم محصول عقب نشینی جمهوری اسلامی در مقابل جنبشهای دهقانی و از سوی دیگر محصول کشمکشها و سازشها و وجوه مشترک درونی هیات حاکمه بود.

"ادامه دارد"

گروهی از اعضا سابق س. م. خ. و اعضا سابق بخش منسحب از این سازمان

روئتت برای روزنامه‌های صبح و عصر و خانواده رفیق تقی شهرام و هفته‌نامه‌های کار، بیکار، روزندگان انقلاب، حقیقت، نبرد، بیکار خلق ارسال میگردد.

بقیه از صفحه ۴
سینه جیب می نمودند به همراه همزمانش بمبارزه علیه رژیم شاه مشغول بود و در این راه هیچ هراس و ترسی هم بخود راه نداد. علاوه بر این رفیق شهرام، مشخصاً و افراداً در قیام نیز شرکت نمود و وی سلاح بدست در فتح یادگاران در فروریختن برج و باروی ارتجاع شاهنشاهی نیز شرکت نمود و بسیار بودند کسانی که رفیق را تشنگ بدوش در روزهای سرخ سومین دهه بهمن دیده بودند.

اکنون با توضیح اکاذیب فوق ما قضاوت راجع به تقی شهرام، قضاوت راجع به سبیل تبلیغات سوء و فضای مسموم و مغرناش حاکم بر مطبوعات جمهوری اسلامی علیه انقلابیون، قضاوت نسبت به روزنامه‌ها اطلاعات را بعهده خوانندگان و افکار عمومی ایران میگذاریم ● ۵۹/۴/۲۲

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی (۴)

رشد جنبشهای دهقانی در زمستان ۵۸ بالاخره لزوم اصلاحات محدودی را در مورد مسئله ارضی و دهقانی بر هیات حاکمه تحمیل نمود. اصلاحات ارضی بعنوان یکی از مسائل مهم مورد بحث جریانات مختلف سیاسی قرار گرفت. هم چنانکه موج مبارزه با مالکین در روستاها قوت مینیافت ماحول مختلف وابسته به هیات حاکمه در تکاپوی راه حلی جهت آرام نمودن روستاها افتادند. شکست کنفرانس کشاورزی مهرماه که با بتکارت وزارت کشاورزی و بسرمداری ایزدی تشکیل شده بود بنا بر گزاردن شخمیتهای جدید و وعده های جدید به عنوان یک مسئله درونی هیات حاکمه وانمود میگشت. رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی که خود نیز دچار اتوبی نسبت به توانایی و خواست هیات حاکمه بود میکوشید تا همین وزارت را به کانون توجه دهقانان تبدیل کند اما بهای آذر و دی و بهمن شاهد وعده های مختلف رضا اصفهانی در مورد طرح جدید اصلاحات ارضی بود و میگفت:

"اصلاحات ارضی زمان شاه مخلوع وسیله ای بود برای خراب کردن و وابسته کردن هر چه بیشتر کشاورزی"

"اصلاحات ارضی که در جمهوری اسلامی مورد نظر است این است که تنها تقسیم زمین مطرح نیست بلکه زمین باید با امکانات و امنیت کافی جلوگیری از هرگونه رخنه گری فئودالها و حمایت هر چه بیشتر از تولیدات کشاورزی برادران و خواهران کشاورز ما باشد"

"واگذاری زمین بصورت مشاع و مشترک خواهد بود"

"در جمهوری اسلامی ایران آب بایک ضابطه عادلانه و مبتنی بر قسط اسلامی بین کشاورزان تقسیم خواهد شد" کیهان - ۱۰ دی

در مورد نحوه واگذاری زمین گفته میشود:

"بصورت تعادلی خواهد بود. یعنی چند خانوار روستایی زمینی را مشترکاً کشت کرده و محصول آنرا با هم برداشت میکنند. و در آن مدت تمامان نصیب کشاورزان میشود. کیفیت اداره این مزارع اشتراکی را خودزارعین تعیین مینمایند و دولت در آنها دخالتی ندارد" کیهان ۱۸ دی

گفته های رضا اصفهانی بعنوان یکی از مقامات مسئول جمهوری اسلامی خیر از تلاش هیات حاکمه و بویژه خرده بورژوازی حاکم برای دست یافتن به راه حلی جهت پایان دادن به حرکت های انقلابی دهقانان از طریق رفرم میداد. اما جزئیات وعده ها و اظهار نظرهای وی بهیچ وجه مطابق با استعداد جمهوری اسلامی در تحقق آنها نمیبود. واقعیت وضعیت کشاورزی و مالکیت زمینها نشان میداد که هیچ رفرمی

بدون دست زدن هر چند محدود به مالکیت مالکین بزرگ ممکن نیست. حتی خود هیات حاکمه هم میدانست که راه حل بورژوازی لیبرال درواگذاری اراضی موات بعنوان تنها راه حل کاهش تمرکز توده دهقانان بر سهم کم ترازمینها بایر نمی تواند جوابگوی اسناد وسیع جنبش دهقانی باشد. دهقانان مستقیماً به معادله ارضی با بیرون قابل کشت مالکین بزرگ میپرداختند و بدستی و بحکم تجزیه قریفته وعده بورژوازی، نمیگشتند.

خرده بورژوازی حاکم بنا به ضرورت مهار نمودن جنبشهای دهقانی مجبور بود که بغیر از اراضی موات از ناحیه ارضی معادله کرده و دولتی و حتی ارضی که در مالکیت مالکان بودند هم زمینها را لازم برای اصلاحات را تهیه کند. ماهیت خرده بورژوازی جناح حاکم جمهوری اسلامی اجازه چنین جسارتی را به مالکیت مقدس بورژوازی میداد اما این جسارت هنوز وحشتناک تر از آن بود که رضا اصفهانی تصور میکرد. حدود سه ماه کشمش درونی و پشت پرده برای مطالعه و تصویب طرحی مجهول (که از یکسورضا اصفهانی آن را تفسیر میکرد و از سوی دیگر مراجع عظام و متخصصین بورژوازی با آن مخالفت میکردند) ادا شده بافت ریشه این کشمش در چه بود؟

هم چنانکه نشان دادیم خرده بورژوازی مرفه برای حفظ نظم در روستاها و حفظ مالکیت خود بر زمین و حفظ قدرت سیاسی خود پس از نه ماه مقابله با جنبشهای دهقانی و عدم توانایی بورژوازی لیبرال در مهار نمودن این جنبشها - ضرورت اصلاحات یا بهتر بگوئیم تقسیم مقداری ازار ارضی مورد ادعای دهقانان - میان آنها را در پی یافت. آنچه برای خرده بورژوازی مرفه اهمیت درجه اول داشت مهار زدن به جنبشهای دهقانی و حفظ نظم در روستاها و البته در درجه اول بشفقت قشر خود بود. اما راه و روش و چند و چون اینکار زمینها نیست روشن گردید خرده بورژوازی حاکم با نهایت محافظه کاری به محاسبه مشغول بود. مسئله اصلی در این میان اولاً: مسئله سلب مالکیت از مالکان در مورد زمینها می بود که اجباراً زمینها را به دهقانان واگذار شود. و ثانیاً: چگونگی واگذاری زمینهای مشمول طرح اصلاحات بود. در مورد سلب مالکیت، حرص و طمع خرده بورژوازی سنتی مرفه در باصلاح مجانی تمام کردن قضیه، باهراس خودی از مسئله سلب مالکیت و انقضاء مالکیت خصوصی (حتی نسبت به مالکیت بورژوازی) در تضاد قرار میگرفت. دستورات شرعی نیز این عمل موحد (!) را منعی مینمود. هم چنین قدرت اقتضای و هر چند محدود سیاسی بورژوازی نمیتوانست نا دیده گرفته شود. تا شریات چنین عمل غیرقانونی (!) بر روی مسائل مختلف ناچیز نبود و میتوانست حتی روحانیت را شگاف انداخته و بورژوازی را در دفاع از مقدساتش به حرکت خطرناکی درآورد.

چگونگی واگذاری زمینها نیز ذهن خرده بورژوازی حاکم را مشغول میداشت. حرص و طمع خرده بورژوازی نمیگذاشت جز به مالکیت "دولت اسلامی" که خود نقش اصلی در آن دارد به شکل دیگری فکر کند. اما از سوی دیگر تعرض به مالکیت خصوصی بورژوازی بر زمین، استقرار مالکیت دولتی بر آنها و در عین حال واگذاری آن به دهقانان که لاجرم مسئله برنا هریزی مرکزی شوراهای دهقانی را بتوئی بمیمان میکشید و راه را بر سودنبردن از زمین و به یک کلام درهراس از کابوس شوراها میانداخت. بحثهای داغ درون هیات حاکمه و درون مجموعه روحانیت خلعت تزلزلی، مرددانه و استیمالی خرده بورژوازی جناح حاکم جمهوری اسلامی را به نمایش گذارد. ایده رضا اصفهانی، و ایده ایزدی بترتیب نهایت انعطاف و بیادرواقع عقب نشینی دو جناح خرده بورژوازی و بورژوازی جمهوری اسلامی بودند. هیات حاکمه میکوشید تا بتوئی هر دو این ها را در یک طرح واحد بگنجانند و البته با شکست سیاسی جناح بورژوازی لیبرال که ترا بشفقت جناح دیگر سنگینی میکرد.

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

پیکر رزمندگان

«کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی گویند. کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند. کمونیستها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی تکیه می کنند.»
ولادیمیر ایلیچ لینن

زحمتکشان انتقام خون فرا مرز حمید را از جلادان خواهند گرفت!

سحرگاه دوشنبه ۹/۴/۲۳
رفیق "فرا مرز حمید" که در وقایع دانشگاه رشت به اسارت درآمده بود بدست جلادان رژیم اعدام گردید. وسندی دیگر بر ماهیت جنایتکارانه و ضد انقلابی جمهوری اسلامی افزود. حوزه گیلان سازمان رزمندگان... در رابطه با اعدام رفیق فرا مرز حمید اعلامیه ای با عنوان "جاوید با دخالطه رفیق شهید فرا مرز حمید" داده که قسمتها بی از آن چنین است:
"من خودم مسلمان هستم. در دوران انقلاب اسلحه بدست گرفتم و علیه رژیم شاه جنگیدم چه کسی میتواند پیش من از خمینی بدیگوید... ما مردم! همه ما اشتباه می کردیم. والله بالله کمونیستها حقیقت را میگویند. کمونیستها ضد بقیه در صفحه ۳۴

کمیته مرکزی سازمان چریکها: مبارزه با ضد انقلاب یا پشت کردن به انقلاب؟

خبر کودتای افسران ارتش و طرفداران بختیار را شنیدیم. رادیوهای "آزاد" و "بغداد" و... هر روز برنامه های مختلف بر علیه رژیم جمهوری اسلامی پخش میکنند و خود را به ظاهر طرفدار مردم میهن ما نشان میدهند. پالیسیان این فاشیست چکمه پوش رژیم شاه خاشن، در اطراف کرمانشاه نیرو گرد آورده و به قتل و غارت مردم زحمتکش شهر و روستا پرداخته است. بقیه در صفحه ۲۴



★ جاودان باد خاطره رفیق شهید

☆ محمد تقی ☆

شهرام

صفحه ۱۰

کارگران دلاور بولیوی: مقاومت مسلاحانه در مقابل کودتاگران

دربولیوی هم کودتا شد! ارتش بولیوی برای سرکوب همه جانبه جنبش کارگری و مبارزات انقلابی زحمتکش بولیوی چاره ای جز کودتا نداشت! سرمایه داران بولیوی و امپریالیسم آمریکا برای ادامه استعمار کارگران و زحمتکش و چپاول و غارت معادن بولیوی ارتش مزدور بولیوی را وارد جنگ با زحمتکشان نمودند تا با سرنیزه جنبش انقلابی توده های کشور بولیوی را خفه نمایند. اگر چه در این کشور کودتا زده تاکنون بیش از ۱۸۰ بار کودتا شده ولی این بار کودتاچیان مزدور امپریالیسم و سرمایه داران، با یک مانع بزرگ روبرو شده اند. این مانع کارگران انقلابی بولیوی بقیه در صفحه ۹۴

برای افشای اعدام ضد انقلابی دومبارزه؛ در آبادان راهپیمایی شد!

موج پر خروش تظاهراتکنندگان یکصد نفریاً واردند، "پزشک انقلابی، دانشجوی مبارز توسط ارتجاع گلوله باران شدند". زندانی سیاه سی آزاد با بد کرد" روز پنجشنبه ۱۹ تیر به دعوت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، وحدت انقلابی بقیه در صفحه ۳۴

در صفحات دیگر میخوانید:

- چراسربازان، این فرزندان زحمتکشان، از ارتش فرار می کنند؟
- بمب گذاری زمینه سازی دیگری برای کودتا!
- رزم کارگران و زحمتکشان سیاه پوست تیری بر قلب رژیم آفریقای جنوبی!
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه
- و ...

بقیه از صفحه ۱۴

کمیته مرکزی

با فروریختن توهم و اعتقاد مردم نسبت به جمهوری اسلامی و مشاهده عدم توانایی رژیم در تسلط بر اوضاع، امپریالیسم دیگر امید به موفقیت جمهوری اسلامی در سرکوب توده‌ها نداشته و ادامه وضع، بیش از این خطر قوی شدن نیروهای انقلابی را برای او بدنبال دارد.

دارودسته ضد انقلابی بختیاری و اویسی و پالیزبان و امپریالیسم آمریکا به چشم خود میبینند که با وجود همه اعدام‌ها، سرکوب‌ها و فریب کاری‌ها که نزدیک به یکسال تمام ادامه داشته است اوضاع تثبیت نگشته است.

آنها میبینند که با گسترش انقلاب و بارودر روی هر چه بیشتر توده‌ها با رژیم جمهوری اسلامی، مردم کم به منافع خود، به ماهیت رژیم‌های سرمایه‌داری، به مبارزات و پیگیری و انقلابی بودن نیروهای انقلابی و کمونیستی می‌برند و این خطر وجود دارد که با گسترش روزافزون انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، کارگران و زحمتکشان بهره‌بردار کمونیست‌ها قدرت را به دست برند و خود به حل مسائل و مشکلاتشان پرداخته و دست سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها جری همیشه از سر خلق‌های قهرمان ما دور گردد و بهمین خاطر آنها به دست و پا افتاده و از هر طریق میکوشند که دیکتاتور نظامی و فاشیستی خود را جانشین جمهوری اسلامی کنند تا برای یکدوره با سرکوب با زهم آشکارتر، با آوردن توب و تانک در خیابان و با برقراری حکومت نظامی حکومت سرمایه‌داران را حفظ کنند. و بهمین

علت بارادیه‌ها نشان، با برنامهریزی برای کودتا با سازماندهی عناصر مزدور، با آوردن نیرو به کردستان این قلب پرطپش انقلاب خود را برای سرکوب خلق کردازهم اکنون آماده میکنند، آنها خلق کرد را هدف خود قرار میدهند. زیرا خلق کرد مسلح است آگاه است تحت فرماندهی کمونیست‌ها و انقلابیون مبارزه میکند و از اینرو بیشتر بین خطر را برای مزدوران امپریالیسم دارد.

واضح است نیروهای حکومتی، سپاه پاسداران، این حافظین نظام سرمایه‌داری وابسته و رژیم جمهوری اسلامی که خواهان حفظ قدرت رژیم جمهوری اسلامی هستند با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و قدرت گرفتن دارودسته بختیاری مخالف بوده و با آنان به جنگ برمیخیزند و در مقابل تهاجمات آنان مقابله میکنند اینان که در سرکوب کارگران و زحمتکشان و در سرکوب خلق کرد با یکدیگر وحدت و اتفاق نظر دارند و برای کسب قدرت و حفظ قدرت با یکدیگر جنگ میکنند. با این حساب و با توجه به اینکه سالها حکومت شاهنشاهی و نزدیک به یکسال و نیم رژیم جمهوری اسلامی به توده‌های ما نشان داد که این هردو حامی منافع سرمایه‌داران و سرکوبگر خلقها هستند چه باید کرد؟ و در زمانی که آندو جنگ میکنند موضع نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها، موضعی که به نفع توده‌هاست چیست و چه باید باشد؟ نیروهای انقلابی و کمونیست مبارزه با هردو ضد انقلاب را توصیه میکنند، حزب خائن و ضد انقلابی توده‌ها و اران خویش را به نام نوپسی

در ستاد بسیج ملی که از ارکانهای سرکوب حکومت است، فزا میخواند، سازمان مجاهدین میلیشیای خود را در زمان تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا تحت فرماندهی پاسداران قرار میدهد و کمیته مرکزی سازمان چریکها در ادامه سیاست سازشکارانه خود هواداران خویش را به زیر پرچم سپاه پاسداران فرا خوانده است.

آیا جنگ سپاه پاسداران و پالیزبان در جهت منافع توده‌ها است که مردم از یکدیگر در مقابل دیگری دفاع کرده و خواهان پیروزی یکی از طرفین باشند؟ نه! این جنگ، جنگ میان دو ضد انقلاب است، و توده‌ها باید منافع مستقل خود را در مقابل هردو پاسداری کنند!

کمیته مرکزی "س.ج." با یک اعلامیه به هواداران خود چنین رهنمود میدهد: "با بوجود آوردن دستجات منظم به سپاه پاسداران مراجعه نموده و آمادگی خود را برای سرکوب ضد انقلابیون اعلام کنید" رهنمود کمیته مرکزی "س.ج." چنین است: برای جنگ با پالیزبان و بختیاری ضد انقلابی با سپاه پاسداران که سرکوبگر کارگران و زحمتکشان است همکاری کنید به زیر فرماندهی سپاه پاسداران که ۷۰ کیلومتر از نظر فتر در شهرستان مبارزین و انقلابیون قهرمان کرد را به گلوله می‌بندد بروید و با سپاه پاسداران که در ۴۰ کیلومتر از نظر فتر جایی که از پالیزبان نشان نیست چنان کشتاری میکنند که اگر

بختیاریها و پالیزبان‌ها هم به قدرت برسند انجام میدهند، به اتحاد عمل دست بزنید! آنها به هواداران خود رهنمود میدهند که فراموش کنید این پاسداران تاستان ۵۸ بهتر بین فرزندان دلیر خلق کرد را کشتار کردند، فراموش کنید کارگران و زحمتکشان در همبازیه‌ای با اینان رودر روبرو شده‌اند، و فراموش کنید که اینان در قدرت و حامی سرمایه‌داری وابسته و سرکوبگر خلقها هستند. از دامین یک ضد انقلاب به‌دامین ضد انقلاب دیگر پناهنده‌اید و باید وردتیر باران خواهد کرد به همکاری بنشینید!

کمیته مرکزی "س.ج." که مدت زمانی است سریع‌آراه پشت کردن به انقلاب و سازشکاری آشکار را میپیماید، تنها یک چیز را فراموش کرده است و آن قدرت توده‌ها و مقابله با هردو ضد انقلاب با پشتیبانی خود توده‌ها با سازماندهی و با آگاه کردن خلق‌های قهرمان ایران است.

کمیته مرکزی "س.ج." که در مبارزه طبقاتی، راه‌سازش طبقاتی را پیش گرفته، و فراموش کرده است که یک نیروی انقلابی و کمونیست همواره از منافع توده‌ها و به پشتیبانی قدرت آگاه‌های و شکل توده‌ها حرکت میکند، اینک به جای قرارداد انقلابی بخلق قهرمان کرد و سازمان‌های سیاسی انقلابی و کمونیست نیست. در مقابل دوزخ و دوزخ انقلاب راه‌مماشات با رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را میپیماید. و نه تنها خود چنین میکند بلکه از هواداران خود میخواهد که "ضرورت همکاری کردن با سپاه پاسداران را با بقیه در صفحه ۶"

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۱۴

فرامرز حمید...

انقلاب نیستند. خدا انقلاب خود حکومت است... اینها سخنان آتشینی است که از سینه پردرد و کینه یکی از بستگان رفیق شهید فرامرز حمید بیرون می آید. سحرگاه دوشنبه ۲۳ تیرماه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی با تیرباران رفیق فرامرز حمید که در وقایع دانشگاه دستگیر شده بود، جنایت تازه ای مرتکب شدند. جنایتکاران جمهوری اسلامی بشیوه مزدوران ساواک بهترین فرزندان انقلابی خلق را به جرم دفاع از آزادی و حقوق کارگران و زحمتکشان در بیدار دگاههای مخفی اعدام میکنند. در راه دیوانها را قتل چاقچی مینا مذو و بعداً برای توجیه جنایت خود در اطلاعیه بیدار دگاه انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران مینویسند که نامبرده در روز حادثه دانشگاه کار دستگری با خود حمل میکرده است. ما میگوئیم که حتی اگر رفیق فرامرز کار دستگری با خود حمل میکرده است، مرتجعینی

چون هادی غفاری، اوباشان جردی حاکم شرع ادامه دارد. حزب الهی و سپاه پاسداران از قبل با خودشان کلت و ژ - آ - ورده بودند و اصلاً به قصد خونریزی به دانشگاه آمده بودند. اگر قرار باشد کسی به عنوان مسبب حوادث دانشگاه محاکمه و اعدام شود چنین مرتجعینی سزاوار اعدام هستند نه انقلابیونی چون رفیق فرامرز... ارتجاع حاکم حاضر نیست کلمه ای از حقیقتاً جرایگوش مردم برسد. بهمین دلیل است که از وحشت قضاوت توده ها، دادگاهها را مخفیانه برگزار میکنند. چرا که اگر دادگاهها علنی باشند مردم پی خواهند برد که حمیدها و دکتر نریمیاها و علوی شوشتری ها و مؤذنها و دانیالی ها که این روزها پشت سر هم در رشت و اهواز و کردستان قهرمان در مقابل جوخه آتش تیرباران میشوند همان گلسرخی های دوره رژیم شاه هستند که تنها جرمانشان دفاع از آزادی و حقوق کارگران و زحمتکشان است. هموطنان! بی دادگاههای مخفیانه بریاست مرتجعین و جلادانسی همچون کریمی دادستان و پرو-

ارتجاع عطش خونریزی بیشتری دارد... نگذاریم بهترین فرزندان انقلابیمان که چه در زمان شاه خاشن و چه در دوران جمهوری اسلامی همواره در راه انقلاب فداکاری کرده اند و علیه سرمایه داران و امپریالیستها و حامیان رنگارنگشان جنگیدند و اندیدست ارتجاع تیرباران کردند. همانطور که در دوران رژیم شاه برای نجات جان زندانیان سیاسی و رها عیثان از زندان مبارزه کردیم، اکنون هم بپاخیزیم و با تمام قوا بپافشای جنایت تیرباران رفیق حمید بپردازیم و مانع تیرباران بقیه زندانیان سیاسی بشویم و در راه آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی مبارزه کنیم. در تشییع جنازه رفیق فرامرز تعداد کثیری شرکت کردند دست به راهپیمایی زدند و شعار دادند. در مجلس ترخیم رفیق فرامرز در گورستان شهر ۱۲ هزار نفر شرکت کردند. رژیم جمهوری اسلامی به عنوان حافظ نظام سرمایه

داری وابسته نمیخواهد و نمیتواند به نیازهای توده های زحمتکش میهنمان پاسخ مثبت دهد. به این دلیل دست بسره سرکوب توده ها، و نیروهای انقلابی میزند. به شدت از آگاه شدن و متشکل شدن توده های زحمتکش وحشت دارد. به همین دلیل کمونیستها و نیروهای انقلابی که نقش برجسته ای در آگاه نمودن و متشکل کردن توده ها دارند، آماج حملات وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند. رژیم جمهوری اسلامی که کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی را مانع رسیدن به مقاصد انقلابی خود میداند کمونیستها و نیروهای انقلابی را دستگیر میکند، زندان میاندازد، شکنجه و تیرباران میکند. ما با صدای بلند فریاد میزنیم: با اعدام انقلابیون، کمونیستها، به عزاداری نخواهیم پرداخت. اعدام فرامرز حمیدها، علوی شوشتریها، نریمیاها، تنها کینه طبقاتی ما را نسبت به سرمایه داران، مرتجعین و امپریالیستها و مزدوران آنها این دشمنان زحمتکشان شعله ور

بقیه از صفحه ۱۶

در آبادان...

در شهر آبادان برگزار شد. در این روز صبح رادیوهای اهواز و آبادان از مردم میخواستند که بنا به دستور وزارت کشور در این راهپیمایی شرکت نکرده و برای جلوگیری از راهپیمایی به کوی کارگر بروند. با وجود این تبلیغات تعداد قابل توجهی از توده های مردم برای شرکت در راهپیمایی در محل حاضر شدند و بجز خود و صد حزب الهی مزدور حکومت کسی به دعوت رژیم پاسخ نگفت. با وجود جلوگیری سپاه پاسداران از عبور جمعیت از مسیر تعیین شده راهپیمایان

بی راس ساعت آغاز شد. و صدای رعد آسا و قدرتمند کارگران و زحمتکشان که لزوماً به برانداز پاسداران سرمایه میانداخت، همصدای فریاد انقلابیون و کمونیستها شنیده میشد: "از قحطی و گرانی مردم به تنگ آمدند" "سپاه پاسداران، ارتش ضد خلقی، از کردستان تا ایران، از خاچ باید گردند"، "پیمشگره قهرمان خاطر هات جاودان" و فریاد اعتراض خود را علیه تمام ستم های رژیم جمهوری اسلامی به گوش همه میرساندند. اما ارتجاع و مزدوران حکومتی در وحشت از این خروش توده ها و همسنگران نشان بی کار ننشسته و تلاشی مذبحانه را آغاز کردند. کوکلت موله تفه و حماه

به سوی جمعیت پرتاب میکردند و سپاه پاسداران نیز با تیراندازی هوایی وارد میدان شد. دکه های گروه های سیاسی این خارچشم ارتجاع و مزدوران حکومتی مورد هجوم حزب الهی ها قرار گرفتند که با مقاومت توده های قهرمان خلق عرب و انقلابیون روبرو شدند. هنگام حمله به دکه رزم متعلق به هواداران سازمان ما تعداد زیادی از مردم به حمایت از دکه ها برمیخیزند. پاسداران که مردم را در مقابل خود میبینند به شدت وحشت کرده و پشت سر هم تیراندازی هوایی میکنند. بر اثر حرکات وحشیانه پاسداران و حزب الهی های ماده، تعداد زیادی از مردم

راهپیمایان میبویند و فریاد میزنند "مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه دار"، "مرگ بر ارتجاع" پاسداران که تعدادشان دوبرابر شده بود حمله میکنند و مردم به سوی کوچه ها میدوند. اما در تمام خانه ها به روی راهپیمایان باز است سپاه پاسداران که اوضاع را به ضرر خود میبینند از ترس آبروریزی بیشتر میدان را ترک میکنند. بحث میان مردم و تظاهرات پراکنده، تا نیمه های شب ادامه مییابد و اعلام انقلاسیون، به تجربه ای جدید و مبارزه ای با زهم آشکارتر میان توده ها و پاسداران سر ما به برای کارگران و زحمتکشان

بقیه در صفحه ۵



رزم کارگران و زحمتکشان سیاهپوست: تیری بر قلب رژیم آفریقای جنوبی!

همراه با زنان و مردان کارگرو زحمتکش نقش مهمی در پیشبرد امر مبارزه زحمتکشان آفریقای جنوبی دارند.

مبارزات خلق آفریقای جنوبی از روز ۲۶ خرداد امسال اوج نوینی یافته است.

۴ سال پیش در ۲۶ خرداد ۶۱۸ نفر از زحمتکشان شهر "سووتو" با رگبار گلوله های سرمایه داران و حامیان امپریالیست آنها به خاک و خون کشیده شدند.

از آن تاریخ همه ساله در ۲۶ خرداد با وجود تمامی اقدامات سرکوبگرانه رژیم آفریقای جنوبی کارگران و زحمتکشان با تظاهرات و مبارزات خود یادشیدان خود را گرامی میدارند و کینه و نفرت طبقاتی خود را نسبت به رژیم سرمایه داری وابسته آفریقای جنوبی اعلام میدارند.

آفریقای جنوبی، ایمن سرزمین معادن طلا و الماس، این سرزمین ثروتمند، با خلقی گرسنه و ستم کشیده، دیربست که دیگر جزیره ثبات سرمایه داران امپریالیستها نیست.

رژیم آفریقای جنوبی، این دژ امپریالیسم در آفریقا، ماوای ضد انقلاب در رژیمها، کنگو و همه ضد انقلابیون دیگر کشورهای آن منطقه، اینک خود با یکی از بی گیرترین شوهرها و مبارزات دلورانه کارگری روبرو شده است.

بیش از یکمها است که مبارزات کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی به اشکال مختلف تظاهرات، اعتصابات ادامه دارد و رژیم تاندان مسلح، نژادپرست و ضد خلقی آفریقای جنوبی از هیچ کوششی برای درهم کوبیدن مبارزات کارگران خودداری نکرده است. پس از گذشت یکماه

علیرغم وحشیانه ترین و آشکارترین شکلهای سرکوب و استقرار مزدوران ارتشی در کارخانه ها، کارگران به مقاومت و مبارزه دلورانه خود ادامه میدهند.

مبارزات گسترده اخیر در آفریقای جنوبی محدود به طبقه کارگر نیست. موج اعتصابها و تظاهرات تمام مناطقی سیاهپوست نشین را فرا گرفته است.

دانش آموزان این فرزندانشان رنج و محرومیت و ستم محلات سیاهپوست نشین را به سنگرمبارزه تبدیل نموده و

چهره واقعی و ماهیت ضد مردمی را از توده ها مخفی کند و تبلیغات زهر آگین بر علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی بین انقلابیون کمونیست و توده ها جدایی بیاندازد، ولی در آفریقای جنوبی دیگر این گونه تبلیغات فریبکارانه خریدار ندارد. زحمتکشان سیاهپوست سالهاست که حکومت خون و باروت، شکنجه و زندان، فقر و محرومیت، تبعیض نژادی و ستمگری چپاولگری آفریقای جنوبی را

دادند. کارگران با اعتصابات خود دهها کارخانه همچون فولکس واگن، گودیر و فورد را به تعطیل کشاندند. حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی به مقابله با کارگران و زحمتکشان پرداخت. آنها همچون تمامی رژیم های سرمایه داری ضد خلقی کارگران و دانش آموزان مبارز را "عناصر آشوبگر کمونیست" خواندند تا بلکه بتوانند بین نیروهای انقلابی

کارگران و زحمتکشان سیاهپوست آفریقای جنوبی علاوه بر آنکه مانند تمام کارگران و زحمتکشان جهان استعمار میشوند، بخاطر رنگ پوستشان نیز تحت انواع ستمها و محرومیتها قرار دارند.

با پوست و گوشت و خون خود لمس کرده اند.

سالهاست که کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی شاهده بدبختی رفتن دسترنجشان هستند. سالهاست که خلق آفریقای جنوبی شاهد چپاول منابع زیرزمینی خود توسط سرمایه

و طبقه کارگرو سایر اقشار خلق جدایی بیاندازند. اما ماهیت استعمارگر و جنایتکار رژیم آفریقای جنوبی آن چنان برای زحمتکشان روشن است که دیگر این گونه تبلیغات فریبکارانه تا شیری ندارد. اگر رژیم چینی چون جمهوری اسلامی میتواند برای مدت کوتاهی

امسال دوماه قبل از سالروز ۲۶ خرداد، دانش آموزان با تظاهرات گسترده به استقبال این روزها رفتند. در آستانه این روزها هزاران کارگر با دست از کار کشیدن و پیوستن به تظاهرات خیابانی، ابعاد نوینی به جنبش رهایی بخش زحمتکشان آفریقای جنوبی

بقیه از صفحه ۳۰

ترخواهد گردانید. وعزم را سخما را در آگاه نمودن توده ها، در متشکل کردن آنها، در بنا بودی نظام سرمایه داری وابسته مدچندان خواهند نمود. ما با صدای

در جریان تشییع جنازه و مراسم ترحیم در گورستان رفیق فرا مرزگردانندگان سازمان چریکهای فدایی (اکثریت سوسیالیست) میگردند شعرا فقط بر علیه آمریکا با شویید بی

● همانطور که در دوران رژیم شاه برای نجات زندانیان سیاسی و رهائیشان از زندان مبارزه کردیم، اکنون هم بیخیزیم و با تمام قوا به افشای جنایت تیرباران رفیق حمیدپردازیم و مانع تیرباران بقیه زندانیان سیاسی بشویم و در راه آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی مبارزه کنیم.

بلند فریاد میزنیم: اعدامهای بیشمار انقلابیون کشتارهای بسیار در تمامی شهرهای ایران و بمباران کردستان قهرمان هیچکدام، هیچکدام اراده ما کمونیستها را نخواهد شکست. در حاشیه این گزارش:

ترتیب ماهیت ضد انقلابی و جناحیتکاران رژیم جمهوری اسلامی را لایوشانی میگردند. ولی کمونیستهای واقعی و توده های آگاه و خشمگین سعی کردند با شعارهای نظیر "زحمتکشان بدانید، عاملین سرمایه فرزندتان را کشتند" "مرگ برپا سدار" جنایتکاران واقعی را به توده های مردم نشان دهند.

بقیه از صفحه ۲۰

رزم

داران وابسته و امپریالیستها است.

سالهاست که امپریالیستها با همدستی سرمایه داران وابسته با برپا کردن ۴۰۰ کمیانی بزرگ همچون کاترپیلار، کرایسلر، فایرستون، جنرال الکتریک جنرال موتورز و.....

حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان سپاه پوست و منابع زیرزمینی آفریقای جنوبی را غارت میکنند.

رژیم آفریقای جنوبی علاوه بر همه ستمها و بهره کشی هایی که بر خلق آن کشور وارد میکند، خلق سیاه پوست اپ

سرمین را زیر وحشیانه ترین ستم نژادپرستانه نیز قرار میدهد. کارگران و زحمتکشان سیاه پوست آفریقای جنوبی علاوه بر آنکه مانند

تمام کارگران و زحمتکشان جهان استثمار میشوند، بخاطر رنگ پوستشان نیز تحت انواع ستمها و محرومیت ها قرار دارند.

سیاه پوستان آفریقایی جنوبی بوسیله سرمایه داران نژادپرست، به تحقیر آمیزترین و غیر انسانی ترین شکلی تحت فشار قرار دارند.

آنها از حق انتخاب شغل محرومند. وسایل رفاهی فقط در اختیار سفید پوستان است. سیاه پوستان حق استفاده از پارکها و رستورانها و سینماها و سایر مراکزهای عمومی را ندارند.

در شرایطی که ۷۰٪ جمعیت آفریقای جنوبی را سیاه پوستان و دورگه ها تشکیل میدهند آنها تنها در ۱۳٪ از خاک میهن خود حق عبور و رفت و آمد دارند.

درب دانشگاهها جز در موارد محدود و برای سیاه پوستان بسته است. زحمتکشان سیاه پوست اکثرا

بقیه در صفحه ۶۶

چگونگی دستگیری رفیق شهید فرا مرز حمید به شکل بوده، رفیق فرا مرز حمید با عده ای از رفقای پیش دکه کتاب فروشی در محله ساغر بسازان رشت زده بوده و معمولاً در اطراف دکه بحث هایی صورت میگرفتند. شخصی از اهالی محل بنام کاظمی لیسانس شاعری درجه دسازندگی که از وجود دکه و بحث ها شدیداً دلخور بوده و همیشه علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی مردم را تحریک میکرد. ده و حتی چند بار با فرامرز درگیری لفظی پیدا کرده بود. مشخصات فرا مرز را به سپاه پاسداران میدهد. فرا مرز هم که روز حمله به دانشگاه بعد از درگیری در حوالی دانشگاه بوده توسط سپاه پاسداران دستگیر میگردد. ●

نیز همان سیاست همیشگی را دنبال میکنیم. و بهیچوجه تسلیم سیاست تهدید و فشار حکومت نخواهیم شد. رژیم نمیتواند شرایط خودش را با تحمیل نماید. این شیوه جدیدی است که رژیم ضد خلقی برای سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد کشف نموده و بخیال خودش از این ببعده سیاست تهدید و آزار را به سیاستهای سرکوبگرانه اش اضافه مینماید.

ما از همین ابتدا در جواب این اعمال فشار و تهدید و برای خنثی نمودن آنها اعلام میداریم که در صورت اعدام زندانیان بانه که اکثراً دختر و زن بوده و همگی بیگناه هستند یا ارتکاب هر نوع جنایت در مورد روستاهای بانه بی تفاوت نبوده و مطمئناً به تعهدات انقلابی خود عمل خواهیم نمود. ●

اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۳۰

جها دسازندگی کردستان تعطیل شده است و تا چند روز دیگر کلاً تعطیل خواهد شد. ارتش و پاسداران میگویند که برای آزادی افرادی گناه هیچ راهی جز راه حل نظامی وجود ندارد و تهدیدیه بمباران دهات بانه، محاکمه و اعدام دستگیرشدگان میکنند (جالبست که قبل از محاکمه حکم اعدام را صادر نموده اند) آنها بیشتر مانع چینی و نمود میسازند که گویا تاکنون از این روشها استفاده نکرده اند و این اولین بار است که، میخواهند اینکارها را انجام دهند. در واقع بمباران و سوزانیدن دهات و اعدام مردم، برنامه رژیم در ستار کردستان بوده و اکنون با این روش تازه در باب نه مثلاً میخواهند مردم را در

مقابل سازمانهای سیاسی قرار بدهند در حالیکه این اعمال پنجاه درصد از کارهای جزو کارهای روزانه و عادی جمهوری اسلامی شده است. علاوه بر این هم اکنون در سنج و سقز و بانه و میوان صدها نفر از مردم بی دفاع را بدون هیچ دلیلی بگروگان گرفته و تحت بازجویی و شکنجه قرار داده اند و برای نمونه تنها در یکی از زندانهای سنندج ۱۲۰۰ نفر از مردم شهر را در اسارت دارند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) بارها سیاستش را در مقابل اسیران اعلام نموده است. ما بطور کلی همیشه حاضریم و ما برای مبارزه با سران و تاکنون چند مورد سرار را با دولت مبادله نموده ایم و اکنون

کمیته مرکزی...

تمام انرژی انقلابی خود برای زحمتکشان توضیح دهند" (نقل به معنی)

چگونه مردم قهرمان کرمان شاه، قصر شیرین و کیرنگ غرب که همواره با وحشیگری های سپاه پاسداران روبرو بوده اند، همواره زورگویی ها و سرکوب ها و حمایت های پاسداران را از سرمایه داران دیدند و اندوختند و می شریکات انقلابی و کمونیستی و حتی خود "کار" در باره این جنایات در سراسر ایران و مشخصاً کرمان شاه خوانده اند، حاضر شوند با سپاه پاسداران همکاری کنند و اصولاً چرا باید همکاری کنند؟ آیا جنگ سپاه پاسداران و پالیزبان در جهت منافع توده ها است که مردم از یکی در مقابل دیگری دفاع کرده و خواهان پیروزی یکی از طرفین باشند؟ نه! این جنگ، جنگ ما بین دوزخ و انقلاب است و توده ها باید منافع مستقل خود را در مقابل هردو پاسداری کنند مردم باید تحت رهبری سازمانهای کمونیستی و انقلابی با هردو ضد انقلاب مبارزه

کنند و خلق کرد، قبلاً هم چنین کرده است خلق سلاح سپاه رزگاری توسط کومه له که از عوامل حزب بعث عراق، ضد انقلاب و همچنین با رژیم جمهوری اسلامی تضاد داشتند یکی از این نوع سیاستهای انقلابی و مبارزه با تمامی ضد انقلابیون است. سازمان انقلابی بی زحمتکشان کردستان ایران علیرغم مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از هراس نیرویی که با این رژیم مخالف باشد پشتیبانی نمیکنند، بلکه با هر ضد انقلابی مبارزه میکنند حتی اگر با جمهوری اسلامی مخالف باشد و از این نیروی همین ترتیب تضاد و دشمنی کمونیست ها و انقلابیون بسا

پالیزبان ها و بختیارها به معنی آن نیست که آنها بخوانند زبرد فرما ن پاسداران که حافظ منافع دشمنان خلق هستند و این راه روزبه تمامی مردم ما نشان داده اند، مبارزه کنند، کمونیست ها و نیروهای انقلاب باید با تکیه بر توده ها و با توجه دائم به منافع آنها با تمام نیروهای ضد انقلابی مبارزه کنند.

کمیته مرکزی سازمان چریکها خطاب به هواداران خود مینویسد: "باید ارتباط ها و رفت و آمدهای مشکوک جاشها و پایگاههای داخلی با نارضاد انقلابی بختیار - پالیزبان را دقیقاً کنترل نماید." با یداز کمیته مرکزی سازمان چریکها پرسید: جاشها، سرور حمایت چه کسانی هستند؟ نشریه کار در شماره ۵۵ بعد از توضیح زندگی ننگین چندین تن از آنها در باره شان نوشته است: "... هیئت کار که در میان خلق کردپا - یگانه نداد در صدد آن است که با تطهیر اعمال ننگین جاشها این مزدوران را وسیله پیاده کردن نقشه های سرکوبگرانه خود نماید و با گذاردن

کمونیست ها و نیروهای انقلاب باید با تکیه بر توده ها و با توجه دائم به منافع آنها با تمام نیروهای ضد انقلابی مبارزه کنند!

نام پیشمرگان مسلمان کرد بر آنها میخواستند اما هیئت ضد خلقی این مزدوران و وابسته به رژیم سابق و فتوایها را استوار نماید. (تاکید از ما ست کار ۵۵ ص ۸، ۳ اردیبهشت ۵۹) حال چگونه میتوان یک جاش، یک جاسوس انقلابیون و خلق مبارز کرد و یک مزدور را که حاضر به قتل عام و تیربار

ران تمامی کمونیست ها و انقلابیون و همدست پاسداران و دقیقاً در خدمت آنان است را کنترل کرد و همچنین در تحت فرماندهی پاسداران کار کرد و به مردم ضرورت همکاری با پاسداران را توضیح داد!

اما کمیته مرکزی س.ج.باز هم بر این مساله پای میفشرد در حالیکه سپاه پاسداران اصلاً و به هیچ وجه این درخواست را قبول نمیکنند، در حالیکه روزنامه های دولتی از پیچیدن اسناد فداثیان در جیب مزدوران یا بقول خودشان مهاجمین (پالیزبان ها و مزدوران آنها) سخن میگویند (رجوع کنید به کیهان شنبه ۱۴ تیر) در حالیکه جاشها این همدستان پاسداران بسبب گذاری در میتینگ فداثیان ترور کمونیست ها و انقلابیون و ایجاد ترور و وحشت در تمامی کردستان مشغولند. زیرا آنها در عین حال که با پالیزبان ها میجنگند میدانند که بدترین دشمنانشان کمونیست ها و نیروهای انقلابی هستند و لحظه ای از این مسئله غافل نمیشوند که دست آنها را نیز از قدرت کوتاه و نفوذ آنها را نیز در میان توده ها کم کنند.

آنها همچنانکه به سازمان مجاهدین پاسخ دادند به شما نیز پاسخ خواهند داد. جواب آنها به سازمان مجاهدین این

بود که امپریالیسم آمریکا در کردستان، در کارخانه ها و در مبارزات کارگران بیچاره حضور دارد، باید تمام اینها نیز مبارزه کرد پس چرا شما در این کارها تنها ما همکاری نمیکنید؟! " انقلاب روزبه روز گسترش

میابد، توده ها روزبه روز بیشتر اطمینان نشان را از جمهوری اسلامی از دست میدهند و روزبه روز بیشتر آماج دگمی مقابل با تمامی نیروهای ضد انقلابی را پیدا میکنند و سیاستهای سازشکارانه کمیته مرکزی "س.ج." بهشت کردن کمیته مرکزی س.ج. به مبارزه طبقاتی و به انقلاب همراه با این موج انقلاب سا - زمان چریکها (اکثریت) را بیشتر از توده ها دور و به ضد انقلاب نزدیک میکند، توده های بی که روزبه روز بیشتر در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند، مسلماً روزبه روز بیشتر ما هیت نیروها بی را که میکوشند برای منافع خود هنوز آنها را در بند توهم نگهدارند و میشناسند. در واقع در جریان گسترش انقلاب، کمیته مرکزی سازمان چریکها تمام سیاست های و تمام قولهای بی که به آقای بهشتی داده است و یکی یکی اجرا میکند، افشاء شده و موج انقلاب این انحرافات و کج روی ها را آشکارا و پیش خواهد رفت! ★

رزم کارگران و بقیه از صفحه ۵۴

در محلاتی نظیر "زورآباد" حلبی آباد، "یا خچی آباد" خودمان زندگی میکنند و حتی خلق ورودیه محلات سفید بوستان را دارند. اما اینک کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلق آفریقای جنوبی بر علیه سرمایه داران و رژیم پوسیده سرمایه داری و نژادپرست این کشور به مبارزات گسترده و سرسختانه ای

دست زده و علیه تمامی مظاهر استمگری به مبارزه برخاسته اند این مبارزات نویدبخش آیند های تابناک و درخشان برای طبقه کارگر در سراسر جهان و جمله ایران است. آینه های که در آن تمامی رژیم های سرمایه داری و امپریالیستی در سراسر جهان نابود گشته و کامیست کارگران و زحمتکشان بر پرچم سرخ سوسیالیسم بر فرارجهان به اهتزاز درخواهد آمد. ●

کارگران ساکا هم چنان برای آزادی نماینده خود مبارزه می کنند!



آنها ۹ نماینده انتخاب کرده و برای مذاکره با قدوسی فرستادند. اما حکومت سرمایه داران هرگز منطق کارگران را نمیفهمد. قدوسی، کارگرانی را که برای مذاکره با او رفته بودند، دستگیر میکند و بزند. میاندازد. خبر اسارت نمایندگان، خشم کارگران را برمیافزاید. آنها می انگیزد. آنان میکوشند تا صدای خود را به گوش همه برسانند. کارگران تصمیم میگیرند به دیدن بنی صدر بروند. شبی که فردایش برای رفتن به کاخ ریاست جمهوری قرار گذاشته شده بود، سپاه پاسداران شبانه به منزل راننده های کارخانه رفته و آنها را نیمه شب با اتوبوسهای سرویس به کارخانه می آورد. تا کارگران صبح فردا نتوانند به سراغ بنی صدر بروند! کارگران صبح به کارخانه می آیند و با هم به سراغ بنی بقیه در صفحه ۸۶

اینک بیش از یک ماه و نیم از دستگیری و اسارت نماینده کارگران کارخانه ساگر زندانها ی حکومت میگذرد. در تمام این مدت، کارگران کارخانه ساکا و نیز کارگران چند کارخانه دیگر، برای آزادی وی دست تمام سرمایه داران جهان و حکومت های طرفدار آنها، چه در دوران شاه خائن و چه در رژیم جمهوری اسلامی، با تمام نیروی خود کوشیده اند تا آگاهی طبقاتی را به میان کارگران ببرند. گردانندگان این نشریات، سالهاست که در سنگرمقصد طبقه کارگر ایران، از یکسو سنگینی هولناک استثمار سرمایه داران را بر گردن کرده و از سوی دیگر، با بهره گیری از نیروی لایزال طبقه کارگر و عشق بی پایان به آرمان های پرشکوه کارگران و زحمتکشان به مبارزه ای بی امان با تمام دشمنان بشریت دست زده اند. برآستی در میان این نشریات چه چیزی نهفته است، که دشمنان طبقه کارگر، با آن همه تبلیغات عظیم خود، تاب تحملش را ندارند و از پخش آنها در میان کارگران وحشت می افتند؟

ما جواب این سؤال را به خوبی میدانیم! ما بخوبی میدانیم که هیچ ورقه ای به تنهایی نمیتواند ترسناک باشد! سرمایه داران و دولت

چرا عناصر ضد کارگران از انتشار پیک

نساج و نساج مبارز می ترسند؟

در کارخانه چیست سازی تهران، اعلامیه ای با مضای شورای کارکنان کارخانه منتشر شده که روزنامه حکومتی اطلاعات هم آنرا در روز سه شنبه ۳۱ تیر به چاپ رسانیده است. در این اعلامیه درباره نشریاتی بنام "پیک نساج" و "نساج مبارز" هشدار داده شده و از مقامات دولتی خواسته شده است که از چاپ این قبیل نشریات جلوگیری کنند. راستی چرا این آقایان حکومت را برای فعالتر کردن تشکیلات ساواک جمهوری اسلا می و تفتیش عقاید، تشویق میکنند؟ مگر در این نشریات چه چیزی نوشته میشود که اینها اینهمه از آن وحشت کرده اند و برای جلوگیری از انتشارش از دولت سرمایه داران کمک خواسته اند؟

بیشتر کارگران کارخانه نجات نساجی های تهران (و حتی بعضی از شهرستانها) مدتهاست که این نشریات را می شناسند و با آنها آشنایی دارند. گردانندگان این نشریات، از کارگران زحمتکش کارخانه های نساجی هستند که با عشق و ایمان به راهی طبقه کارگر و برقراری جامعه بی طبقه کمونیستی و نیز با کینه

اعتراض کارگران چیت ممتاز به

کاهش دستمزد

روزی پانزدهم تیرماه، وقتی که کارگران زحمتکش کارخانه چیت ممتاز به سرکار میروند، خبر میرسد که از حقوق تمام آنها مقداری کم کرده اند. (بطور متوسط روزانه ۵ تومان) کارگران از این حرکت ناراحت میشوند. و هر کدام بطور فردی به سرپرست مراجعه کرده و علت را جویا میشوند. اما معلوم است که سرپرست ها چه میگویند. آنها تأیید میکنند که این خبر درست است و از امروز دستمزدها کم شده است. اعدای از کارگران که به

روزی پانزدهم تیرماه، وقتی که کارگران زحمتکش کارخانه چیت ممتاز به سرکار میروند، خبر میرسد که از حقوق تمام آنها مقداری کم کرده اند. (بطور متوسط روزانه ۵ تومان) کارگران از این حرکت ناراحت میشوند. و هر کدام بطور فردی به سرپرست مراجعه کرده و علت را جویا میشوند. اما معلوم است که سرپرست ها چه میگویند. آنها تأیید میکنند که این خبر درست است و از امروز دستمزدها کم شده است. اعدای از کارگران که به

کارگران ساکا: بقیه از صفحه ۷

صدمیروند آنها روز اول موفق به دیدن او نمی شوند. روز دو م کارگران را از ۱۰ صبح تا ۴ بعد از ظهر پشت درمغل می کنند و سرانجام آقای رئیسی جمهوری آید و همه کارگران را فدای انقلابی مینامد! کارگران با توجه به اینکه سید احمد خمینی هم در دفتر بنی صدر حضور داشته است، اصرار میکنند که او را ببینند تا بلکه صدایشان بگوش اما م برسد. اما سید احمد از حضور در میان کارگران خودداری میکند!

آری! کارگران فقط بیدر روزهای راهپیمایی می خورند! عمل هرگاه که کارگران با مقاومت حکومتی رود رو شده اند ضد انقلاب نام گرفته اند.

به کارگران ساکا میگویند شما با کردستان رابطه دارید و دوست شیخ عزالدین هستید! به آنها میگویند شما در کار حکومت فضولی" میکنید! به آنها میگویند ضد انقلاب هستید!

بهر حال کارگران در عمل متوجه میشوند که نه بنی صدر و نه هیچکس دیگر در حکومت کاری برایشان انجام نمیدهد. و بهمین دلیل دیگر هیچ کس شعار بنی صدر بنی صدر، کریمی را آزاد کن! را نمی دهد.

از طرف دیگر، سپاه پاسداران، کارخانه را تعطیل اعلام میکنند و درش را میبندد و اطرافش را محاصره میکنند و علت آنرا هم ضد انقلابی بودن کارگران اعلام میکنند! پاسداران به کارگران میگویند اگر میخواهید کارخانه باز شود باید تعهد دهید که اگر کوچکترین "تاراحتی ایجاد کنید" ز کارخانه بیرونتان کنیم.

کارگران به هیچ وجه حاضر نیستند تعهد دهند، زیرا بخوبی میدانند که منظور از "ایجاد تاراحتی" چیست؟! آنها بخوبی میدانند که اگر

کمترین اقدامی برای بدست آوردن حقوق خود انجام دهند، برای سرمایه داران و حکومت طرفدار آنها "ایجاد تاراحتی" خواهد کرد!

کارگران ساکا، اینک یک دل و یک زبان از نماینده خود "کریمی حماری" حمایت میکنند و خواستار آزادی او هستند. آنها در قطعنامه ای که به مناسبت تعطیل کارخانه و اسارت نماینده خود صادر کرده اند، خواهان آزادی بلاشروط و بدون شرط او و باز شدن کارخانه هستند. آنها نوشته اند: "ما بار دیگر پشتیبانی قاطع خود را از نمایندگان برحقمان اعلام داشته و هرگونه اهانته و نسبت دادن اتهامات واهی به نماینده واقعی کارگران را توهین به حیثیت و شرف کارگران میدانیم و آنرا از جانب هر کس در هر پست و مقامی که باشد، قاطعانه محکوم میکنیم!

آنها همچنین تعطیل کارخانه را در شرایط حساس فعلی بیفیع آمریکا و سرمایه داران وابسته دانسته و آنرا قویا محکوم کرده اند. آنها از شوراها، سندیکاها، اتحادیه ها، و مجتمع های کارگری تقاضا کرده اند تا از خواسته های برحق آنان حمایت کنند تا "بار دیگر همبستگی کارگران سراسر ایران را به دشمنان طبقه کارگر نشان دهیم" آنها خطاب به احزاب، سازمانها و روزنامه ها تقاضا کرده اند تا صدایشان را به گوش مردم برسانند.

کارگران در پایان قطعنامه اعلام کرده اند که خواهان حل منطقی مساله از طریق مذاکره هستند و بر علیه هرگونه منطبق سرکوب و خشونت، از جانب هر مقامی که باشد، هشدار داده اند. آنها اعلام کرده اند: "چنانکه خواسته های قانونی ما برآورده نشود، حق طبیعی و قانونی خود میدانیم که دست به هر اقدام دیگری تا تحقق خواسته هایمان بزنیم!"

بمب گذاری زمین سازی دیگری برای کودتا!

عوامل مزدور بختیار، پالیزبان، اویسی، وهمه سرمایه داران و ژانرالیهای فراری رژیم شاه، بیکسار ننشسته اند، آنها از یکطرف در راه های خود، با حمله به رژیم جمهوری اسلامی میخوردند و از طرفی رضایتی بحق توده ها بیفیع خویش سوء استفاده میکنند و از طرف دیگر، با فرستادن نیروهای نظامی به اطراف کرمانشا و انفجار بمب قدرت خویش را بر رخ کشیده و ایجا داغتشاش و وحشت کنند و زمینه را برای یک کودتای نظامی دیگر آماده کنند. انفجارات اخیر بمب در تهران، به همین علت است

آنها با انجام این عمل سنگین خود با ردیگرما هیست ضد خلقی و ضد انقلابی خویش را بوضوح به نمایش گذاشتند. این خائنین که از خشم خلق فراری شده اند، بعلمت اعمال ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی که توده ها را به تاراجی وسیع کشانده است، گستاخ شده و با ردیگرما عیه رهبری جامعه و حکومت را پیدا کرده اند.

مردم ما چهره پلید این خائنین را بخوبی میشناسند و هرگز اجازه نخواهند داد با دیگر این جانیان بر سر نوشت آنها مسلط شوند. ★

بقیه از صفحه ۷۴

در همان اعلامیه کذایی ادعا میکند که این نشریات "افکار پاک کارگران را مخدوش میسازد" ما بخوبی معنی این جملات را میفهمیم!

آری! اگر افکار پاک کارگران، از توطئه های سرمایه داران باخبر شود، اگر افکار پاک کارگران از جنایات رژیم سرمایه داران مطلع گردد و اگر افکار پاک کارگران به قدرت لایزال خود پی ببرند، راه نابودی نظام سرمایه داری وابسته را بدانند دیگر هرگز هیچ سرمایه داری از گلویش پایین نخواهد رفت!

دیگر هیچ حکومت سرمایه داری قادر نخواهد بود که با استثمار کارگران و زحمتکشان کمبود خون آنها، منافع کثیفش را تامین کند.

آری! کارگران آگاه و مبارز قدر این نشریات را میدانند و برای پخش آن در میان کارگران، از هیچ کوشش فروگذار نخواهند کرد! ★

و عمال آنها به این دلیل از این نشریات وحشت دارند که این گونه نشریات را در نشریات ذهن کارگران را روشن میکند، به آنها آگاهی میدهد که چگونه در دستان دشمنان نشان را بشناسند.

این گونه نشریات به کارگران راه درست مبارزه را نشان میدهد. کارگران را در جریان اخبار جامعه، جنایات سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی میگذارد و کارگران را در جریان مبارزات سایر همزمان نشان قرار میدهد. نشریات چون "پیک نساچ و نساچ مبارز ضرورت اتحاد آگاهی و تشکل کارگران برای نابودی نظام سرمایه داری وابسته را برای کارگران شرح میدهد.

به همین دلیل است که دشمنان طبقه کارگر این چنین از نشریات چون "پیک نساچ و نساچ مبارز و وحشت دارند.

زمانیکه شورای کارکنان کارخانه چیت سازی تهران،

کارگران دلاور...

هستند. بلافاصله بعد از کودتا کارگران معادن که بخش اعظم طبقه کارگر بولیوی را تشکیل می دهند با بستن جاده ها منتهی به معادن شروع به مقاومت مسلحانه در مقابل کودتاگران میکنند. کارگران دلاور معادن بولیوی با استفا ده از فرستنده رادیویی که در دست دارند مرتب مردم را دعوت به مقاومت در مقابل کودتاگران میکنند.

مزدوران ارتش بولیوی با توپ و تانک و انواع سلاح های آمریکایی کارگران را محاصره کرده ولی با مقاومت دلاوران کارگران معادن روبرو شده اند. دانشجویان و توده های مردم هم به عنوان اعتراض به حکومت نظامیان کارها را تعطیل و اعتصاب عمومی کرده اند. تا کنون (سوم مرداد) مقاومت قهرمانانه کارگران ادامه دارد.

بل حکومت نظامیان مزدورو جنایت کار با بستن و مبارزه کنند. مقاومت دلاوران کارگران معادن بولیوی به خوبی نشان می دهد که اگر در زمان دیکتر صدق، توده های مردم مسلح بودند مسلما کودتای ۲۸ مرداد پیروز نمی شد اگر سران خائن حزب توده به جای فرار کردن به خارج و خزیدن در سو را خبا با وجود داشتن سازمان نظامی، به مسلح کردن توده ها می پرداختند، کودتای ۲۸ مرداد پیروز نمی شد. اگر آلمان در شیلی به توده های مردم متکی می شد و آنها را مسلح می نمود نظر میان شیلی نمی توانستند و آ سرنگون کنند و سالها یک چنین رژیم فاشیستی را بر مردم شیلی حاکم کنند.

هم اکنون نیز که در میهن ما احتمال کودتا وجود دارد با تنها این کارگران و زحمتکشان و سازمان های انقلابی و کمونیستی هستند که در مقابل کودتا خواهند ایستاد. رژیم جمهوری اسلامی با خلع سلاح تو-

مقاومت مسلحانه کارگران بولیوی نشان می دهد که این تنها کارگران و زحمتکشان مسلح هستند که می توانند در مقابل حکومت نظامیان مزدور و جنایتکار با بستن و مبارزه کنند.

مقاومت مسلحانه کارگران بولیوی نشان می دهد که آنها زیر بار حکومت کودتاچیان نخواهند رفت. حتی اگر ارتش مزدور بولیوی بتواند در کوتاه مدت مقاومت کارگران را درهم بشکند، دیر یا زود این گونه حکومتها بدست توانای کارگران و زحمتکشان بولیوی سرنگون خواهند شد.

مقاومت مسلحانه کارگران بولیوی نشان می دهد که این تنها کارگران و زحمتکشان مسلح هستند که می توانند در مقا

ده ها و سازمانهای انقلابی و کمونیستی زمینه را برای کودتاچیان فراهم می سازند. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد انقلابی خود از مسلح بودن توده های مردم و سازمانهای انقلابی بیشتر وحشت دارد تا از کودتاچیان. چرا که ماهیت کسانی چون بختیار و ویسی و گردانندگان جمهوری اسلامی یکی است آنها هر دو ضد خلق اند.

* * *
کارگران و زحمتکشان

سراسر جهان دشمن مشترکی دارند و آن رژیم های حامی سیستم سرمایه داری وابسته و امپریالیستی است به همین دلیل شعاع طبقه کارگر در تمام کشورها اینست: " کارگران جهان متحد شوید".

کارگران قهرمان معادن بولیوی در برابر دشمنان کارگران و زحمتکشان مقاومت کنید و بجنگید!

خون کارگران قهرمان معادن بولیوی که در این جنگ مقدس بر زمین میریزد روشنی بخش راه طبقه کارگر در سراسر

اعتراض کارگران...

داران قرار گرفت. دوازدهم - ۱۷ تیر. کارگران مکانیک جلسه ای تشکیل داده و این عمل را محکوم میکنند. اما بقیه کارگران هنوز بطور دستجمعی اقدامی نکرده اند.

در رابطه با این اتفاق، عده ای از کارگران نساج هوادار سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، اعلامیه ای منتشر کرده و از شورای کارخانه خواسته اند تا هر چه زودتر با تشکیل مجمع عمومی و با اتحاد و همبستگی کارگران، جواب دندان شکنی به اقدامات ضدکارگری داده شود.

آنها در این اعلامیه ضمن آنکه این اتفاق را شرح داده و آنرا بشدت محکوم کرده اند، در مقدمه اعلامیه نوشته اند:

"... دولت جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه داران و بازاریان است، هیچ فکر نمی کند که مقیدار

جهان است. طبقه کارگر و زحمتکشان جهان در راه آزادی و رهایی از بند رژیمهای ضد مردمی کشته های فراوان داده اند و از کشته شدن نمیهراسند.

رفقای قهرمان معادن بولیوی! مقاومت کنید و بجنگید! چرا که طبقه کارگر و زحمتکشان چاره ای جز جنگ بر علیه سرمایه داران و امپریالیستها ندارند. مقاومت کنید و بجنگید! چرا که آینده از آن کارگران و زحمتکشان است!

حقوقی که به کارگران اضافه شده، در عوض قیمت اجناس دوبار بر شده دیگر قدرت خرید برای کارگران و زحمتکشان باقی نمیگذارد. دولت جمهوری اسلامی هر روز در راه بیوتلوژیون... صحبت از اضافه حقوق کارگران میکند و فشار میآورد که تولید را اضافه کنید، تا هر چه بیشتر جیب سرمایه داران زالو صفت پر شود. دولت جمهوری اسلامی گرانی را که بخاطر بیشتر سود بردن سرمایه داران به کارگران و زحمتکشان تحمیل میشود، به گردن کاسبکاران کوچک و زحمتکشان میاندازد... ولی ما کارگران میدانیم که علت گرانی چیز دیگری است که جمهوری اسلامی از گفستن آن میترسد. دولت جمهوری اسلامی که مدافع سر سخت سرمایه داران و بازاریان است، خوب میدانند که آنها هستند که اجناس را گران میکنند..."

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!



ادمی با سرفراشته باید بزید
وبه دشمن سرتسلیم نیارد در پیش
و بدهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش!



جاودان باد خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام

رفیق محمد تقی شهرام، انقلابی و مبارز خستگی ناپذیر، شهید دیگری است که به کاروان شهدای خلق ایران پیوست. رفیق در برابر جلادان جمهوری اسلامی، حاضر نشد سرتسلیم فرود آورد، همچنان که در ۱۳ سال مبارزه پیگیر خود هرگز در مقابل رژیم سفاک پهلوی، سستی و تزلزل از خود نشان نداد.

رفیق تقی شهرام مبارز سالهای سیاه رژیم شاه دلورا نه زیست و دلورا نه شهید شد و همچون تمام انقلابیون تاریخ، با سری افراشته در برابر ارتجاع حاکم ایستاد و چه استوار به گفته خویش پای بند شد که: "ما آموخته ایم که ایستاده بمیریم و هرگز در اصول خود سازش نکنیم. من هرگز در دفاع از انقلاب و آرمانهای انقلابی ام ذره ای تردید نشان نخواهم داد و هر آینه با ندهای سیاه و مرتجع فعال در دادستانی در توطئه خود که ریختن خون من جزیی از آن است موفق گردند، همچنان استوار با سری افراشته ولی خندان، سرب مذب را بپذیرا خواهند شد. آری این رسم ماست که ایستاده بمیریم!" (از نامه رفیق تقی شهرام به یکی از همزنجیرانش در زندان اوین)

رفیق دلور و شهرام را بعد از یکسال اسارت در زندانهای انفرادی و در بدترین شرایط غیاباً محاکمه و به اعدام محکوم کردند. آنها که یکسال تمام کوشیده بودند رفیق را وادار به خیانت به آرمانهای انقلابی اش نکنند، وقتی با مقامات آنها مانع از دیدن او شدند، او را غیاباً به اعدام محکوم کردند! آنها که یکسال تمام کوشیده بودند، با اعدام های ساختگی، با شکنجه های روحی و جسمی او را وادار کنند که علیه سازمانهای انقلابی و کمونیست سخن بگویند و وقتی با اراده پولادین او روبرو شدند نه اجازت دادند و کیلی داشته باشند در دادگاه سخن بگویند! مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که میخواهند از رفیق شهرام برای پیشبرد مقاصد نفاق انقلابی خود استفاده کنند، وقتی با موج اعتراضات و افشاگری های کمونیستها و انقلابیون و مجامع دمکراتیک بین المللی روبرو شدند، او را غیاباً محاکمه و به اعدام محکوم کردند.

اما رفیق شهرام نمرده است، او زنده است، خون گرم او در وجود یک کمونیستها و انقلابیون می جوشد و سرخی آن سیاهی های جهان را خواهد دشت. راه او راه تمامی رزمندگان و ازجان گذشتگان در راه خلق و طبقه کارگر است و این راه تانای بودی هرگونه ظلم و ستم بر روی زمین با خون کمونیستها و انقلابیون رنگین خواندند!

ما کمونیستها به عزاداری نخواهیم نشست! اعدام تقی شهرامها، فرامرز حمیدها، علوی شوشریها، ناصریها، اسفندیار قربانیها، تنها کینه طبقاتی ما را نسبت به سرمایه داران، مرتجعین و مزدوران آنها این دشمنان زحمتکش، شعله ورترا خواهد گردانید و عزم راسخ ما را در آگاه نمودن توده ها، در متشکل کردن آنها و در بنا بودی نظام سرمایه داری وابسته و برافرازی پرچم سرخ سوسیالیسم صدچندان خواهد کرد!

جاودان باد یاد شهیدان راه آزادی طبقه کارگر!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

۵۹/۵/۲

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر



اخبار کوتاه

■ - دز محله چومه - خرمشهر
کوی فلسطین جدید شخصی به نام "عبدالزهر" توسط پاسداران به گلوله بسته شد. عبدالزهر در رژیم قبلی به علت فقر خانوادگی دزدی میکرد، و بعد از چند بار دستگیری و کتک خوردن کمی اختلال حواس پیدا کرده بود. عبدالزهر در جریان قیام آزاد میشود. و پاسداران چندبار برای دستگیری دنبال او میآیند ولی فرار میکنند در روز ۲ تیر در محله چومه سرک کوچی ای نشسته بود که ماشین پاسداران را میبیند و با دیدن آن پایشه فرار میکند. اما پاسداران زانو زده و از پشت او را به رگبار میبندند. پاسدار شلیک کننده حمید کرم باشی نام دارد.
فردای آن روز راه پیمایی از مسجد نزدیک چومه آغاز میگردد. صفوف زحمتکشان خلق عرب غرش کنان فریاد میکشیدند "دم العزیزی انطالب بی" خون عرب را داد خواهی خواهیم کرد!
خلق عرب به پاس خون عزیزانش میفرید. مردم محله بهم میگفتند: "پاسداران بخاطر کینه از چومه مخصوصا عبدالزهر را در اینجا کشتند"، پاسداران برای از بین بردن دزدان دهکانه، بلکه برای اعمال قدرت در چومه بودند که تیراندازی کردند "توده ها از هر جناح است چومه یکی از محلات خرمشهر (محمره) است که در ۹۰۰ داد، روز مقامت خونین خلق عرب، از کانونهای مبارزه بود

رژیم، از حرکت "فاشیستی" اش تجربه می آموزند و بر کینه شان افزوده میشود تا زمانیکه این کینه چون آتشی بر خرمن تمامی استعمارگران و دشمنان خلق بیافتند و آنان را از روی زمین محو کند!

■ روز دوشنبه ۹ تیر در خیرآباد ارباب از شهرهای اطراف شیراز، زحمتکشان تظاهراتی برای آب و برق بر راه انداختند. در این تظاهرات مردم شعار میدادند "بی آب، بی برقی، گرانی، بیگانه" بی نابودیا بگردد"، "آب و برق حق مسلم ماست" این تظاهرات باعث نداشتن رهبری نیروهای انقلابی باعث فریبکاریهای نوکران حزب جمهوری اسلامی و ماموران ادارات دولتی نتوانست ادامه پیدا کند.

■ مبارزات اخیر کارگران سازمان آب با پیروزی رسیدن به خواسته هایشان به پایان رسید. کارگران که خواهان تعویض کاشانسی (فرزند آیت الله کاشانی و پسر) (دورن بهشتی) و بازگرداندن شدن حق مکن و اضافه کاری های سابق خود بودند بعد از سه روز تحصن در سازمان آب و گروگانگیری کاشانی ضد کارگران روز ۱۵ تیر به خواسته های خود رسیدند. در طول مبارزه کارگران هیچیک از فریبکارهای عمال رژیم، نمایندگان دفتر ریاست جمهوری و نمایندگان وزارت نیرو اثر نکرد و کارگران با اتحاد خود مدبریت سازمان و دولت حامی آنها را به عقب نشینی وادار کردند!

■ روز ۱۵ تیر ۵ نفر از اوباشان ولیم های داراب به سرکردگی حاج رضا بهمنی از پولدارترین افراد داراب و مؤذنی معمار مرتجع و شخصی بنام مابری که یک معلم مرتجع است، به یک کتابفروشی در داراب حمله میکنند و بعد از کتک زدن کتابفروش کتابها را با خود برده و در بین راه پاره میکنند این اوباشان که نام خود را "اتحادیه کارگران مسلمان" نهاده اند، در میان مردم پایه ای نثارندوبه "اتحادیه مقاطعه کاران" معروفند.

■ در اداره برق منطقه - ای شیراز قسمت تعمیرات کار -

گری با صدای بلند در محوطه به دولت حمله میکنند که این دولت تا بحال چکار برای ما کرده، تا زه حقوقمان را هم کم میکند" لازم به تذکر است که به کارگران و کارمندان حق مسکن اضافه کاری نمیدهند و روی بفرستند حدود ۱۵۰۰ تومان از حقوق کارگران کم شده است. یکی از مزدوران اداره اورادراین حال می بیند و به رئیس اداره و مقامات خبر میدهد آنها نیز کارگران را احضار کرده و او را توبیخ میکنند. روز بعد ده ای از کارگران قسمت همان کارگر جلوی عنصر مزدور را گرفته و بعد از درگیری لفظی حسابی او را گوشمالی داده و حساب نوکسری صفتی و مزدوریش را کف دستش میگذارند.

■ در قسمت باطوری سازی صنایع دفاع ملی حدود ۱۸ نفر از کارگران روز مزد ما زاد بر احتیاج را "با خرید یا اخراج" کرده اند. این امر بنا مخالفت کارگران دیگر روبرو شده است.

■ در صنایع دفاع ملی کانون اسلامی سرگرم شناسایی عناصر انقلابی و کمونیست میباشد. تاکنون چندین نفر از کارگران را بخاطر بحث با زوجی کرده و از آنان تعهد گرفته اند که دیگر در کارخانه بحث نکنند، والا اخراج خواهند شد!

■ به دنبال تلاش و مبارزه متحد و چندانم دهقانان زحمتکش روستای "خان تپه اوبوسرا" از توابع رودسر زمین های حبیب الله ایرانی نژاد مصادره و او، دختر و دامادش دستگیر میشوند قبل امام جمعه و نماینده مجلس رشست، لاهوتی که از وابستگان نزدیک این شخص است او را مسلح کرده و کتبا از پاسگاه ژاندارمری خواسته بودند که در برابر اقدام دهقانان از او حمایت کنند. روز ۲۲ خرداد دهقانان منطقه بخش رحیم آباد به این پشتیبانی اعتراض کرده بودند و همین اعتراضات و مبارزات دهقانان اکنون موجب دستگیری این سرمایه دار و زمیندار منطقه شده است. ●

بقیه از صفحه ۳۰
در بین سربازان رواج داشته و همواره فرزندان زحمتکشان تحت این فشار و بدرفتاری و زورگویی به این شیوه دست زده اند. این مسئله بخصوص در زمان مبارزه مردم علیه رژیم شاه به دلایل سیاسی و به دلیل اینکه پرسنل انقلابی ارتش حاضر نبود به سوی سینه هموطنان، کارگران و زحمتکشان شلیک کند، بسیار افزایش یافت.

■ در رژیم "جمهوری اسلامی" ارتش با سازی شده است و وضع ارتش علیرغم تمامی مبارزات پرسنل انقلابی نیروهای مسلح همچنان "شاهنشاهی" و ضد انقلابی باقی مانده است. در این مدت به دلایل

گفته شده و به دلیل جنگ کردستان بسیاری از زحمتکشان و پرسنل انقلابی ارتش از پادگانها فرار میکنند و سرلشکر شاد مهر این مزدور و عنصر خود فروخته ارتش طی اطلاعیه ای این مسئله را ناشی از بی توجهی و عدم اطلاع از عواقب ناشی از آن و مجازاتهای قانونی میدانند. "وطنی اطلاعیه ای مجازاتهای پرسنل فراری را برای ارتشیان توضیح میدهد! و هشدار میدهد که فرار در شرایط عادی از سه ماه تا سه سال مجازات دارد و در مواقع جنگ مجازات آن اعدام است!

آری ارتش ضد خلقی، ارتشی که میخواهد بر علیه خلق قهرمانان ایران کودتا کند، ارتشی که فرماندهان مزدورش جیره خوار آمریکا و دشمنان سوگند خورده مردم ایران هستند پرسنل انقلابی را برای آنکه حاضر نیستند در جنگ کردستان شرکت کنند، اعدام میکنند و فرزندان کارگران و زحمتکشان که دو سال خدمت سربازی بسرای خانواده اشان محرومیت از تالمین مخارج و برای خودشان از دست دادن کارشان است، را به خاطر فرار و برای هر مسئله ای به مجازات های سنگینی محکوم میکند! ●

بقیه از صفحه ۱۳۰

کمیت ضد خلقی خود ادا می‌خواهد. هندی داد. اما آنچه مسلم است نه چنین مزدورانی و نه هیات حاکمه ضد خلقی کنونی هیچگاه ساطورقصابی خود را علیه زحمتکشان ایران بر زمین نخواهند گذاشت، اما زحمتکشان ایران در جریان مبارزه طبقاتی، خویش چه بر علیه هیئت حاکمه ضد خلقی و چه علیه عوامل مزدوری چون بختیار روتیمسارهای فراری، قدرت انقلابی خود را روز بروز افزایش خواهند داد. در کردستان نیز خلق کرد و نیروهای انقلابی به هم خود این مبارزه را به پیش خواهند برد.

۳- جهاد سازندگی در کردستان چه می‌کند؟

ارتش، سپاه پاسداران و جهاد سازندگی در روز ۱۹ تیر اعلامیه مشترکی در مورد ۵ نفر از اعضای جهاد سازندگی که در دست سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) در حالت بازداشت بسر می‌برند داده و در آن نوشته اند: "برای آزادی این افراد بی گناه هیچ راهی جز راه حل نظامی وجود ندارد و بدین وسیله به اطلاع شما مردم مسلمان بانه و روستاها میرساند، اگر این پنج نفر حداقل تا سه روز یعنی از تاریخ ۵۹/۴/۱۹ تا ۵۹/۴/۲۲ ساعت ۶ بعد از ظهر آزاد نگردند تعداد پنج روستا از روستاهای منطقه بانه در آخر مهلت از طریق هوا بمباران خواهد شد. همچنین ۲۰ نفر از افراد کومه له و دمکرات بانه محاکمه (!؟) و اعدام خواهند شد و اگر افراد بدون قید و شرط آزاد نگردند دنده تنها در این منطقه فعالیت عمرانی نخواهد بود.

بلکه از ورود هرگونه کالا به این منطقه نیز جلوگیری خواهد شد، و از مردم بانه انتظار دارد، ریم دیگر هیچگونه انتظاری از جهاد سازندگی نداشته باشند!! سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) در اعلامیه



ای تحت عنوان "سیاست تازه رژیم: بهانه جویی برای کشتار عام و بمباران و سوزاندن دهات و دریاخ به این تهدید ضد انقلابی رژیم نوشته است: "از زمان شروع فعالیت جهاد سازندگی آنها یکسری کارهای غیر تولیدی در کردستان ایجاد کردند که علیرغم هیا هو و جنجالی که بر سر آن بپا کردند تا ثیری بر زندگی زحمتکشان کردستان نگذاشت و انجام آنها در جهت برنامه های سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی بوده خدمت به خلق کرد. در بانه و سفزهنوز چند هفته از فعالیت های با مصلح

عمرانی آنها نگذاشته بوده که صراحتاً و با وقاحت تمام از کارگران خواستند که بخیا با آنها بروند و بر علیه گروه های سیاسی تظاهرات راه بینند از ندوگر نه آنها فعاً - لیتها یشان را تعطیل خواهند کرد و با بنوسیله آنها میخواستند

اخیرا داده دار زد و میخواستند از این راه در جهت سیاستهای ضد خلقیشان استفاده نمایند. بخشی از کار "جهاد سازندگی" در خدمت ایجاد سنگردر بانه و بانه، بخصوص در سقز و بانه و بانه - شگاه افسران سنج بود. از همان سنگرها بود که ارتش شهرهای فوق را خمپاره باران و گلوله باران میکرد و خانه های مردم را ویران مینمود. فعالیت در جهت تطمیع عناصر متزلزل و تبدیل آنها به مزدوران حکومت (جاش) نیز از فعالیت های چشمگیر آنها بوده و در شرایطی که رژیم ضد خلقی سنج، سقز و بانه را بقیمیت ویران کردن اغلب خانه ها و کشتن مدها و زخمی نمودن هزاران نفر از مردم زحمتکش، این شهرها را اشغال نمود، نقش عوامفریبا نه "جهاد سازندگی" برای از بین بردن روحیه مقاومت مردم، بصورت بصورت پخش خوار و با روشن میشود، آنهم در حالیکه محاصره اقتصادی تمام شهرهای کردستان از طرف حکومت همچنان ادا می‌دارد.

در اعلامیه مورد بحث صحبت از کارهای عمرانی و خدمت ب مردم شده است، و مردم بانه را تهدید بقطع فعالیت های عمرانی و محاصره اقتصادی نموده اند. در حالیکه "جهاد سازندگی" کردستان در تاریخ چهارشنبه ۱۱ تیر ماه ۵۹ در روزنامه اطلاعات طی اطلاعیه ای اعلام نموده است که:

"... کلیه اقدامات عمرانی و سازندگی این ستاد در کردستان بعلت نداشتن بودجه و کارشکنی دولت بزودی تعطیل خواهد شد" و یاد جای دیگر همان اطلاعیه میگوید:

"... اکنون بالاجبار بقیه در صفحه ۵"

بانمام فوا از مبارزات خلق کرد پشتیبانی کنیم!

میپروانند. نظام آموزش و پرورش شاهنشاهی، بدانش آموزان کردستان اجازه پوشیدن لباس کردی نمیداد، آموزش وحتسی تکلم بزبان کردی درمدارس ممنوع بودومعلمان میبایست دانش آموزان رامجبوربه پوشیدن کت وشلواروتکلم بزبان فارسی وخواندن سرودشاهنشاهی کنندوبخاطریربارنرفتن این نظام آموزشی ضدخلقی و ضد ملی بودکه معلمان کردمورد غضبرژیم شاه بودوباتهام تجزیه طلبی باعدم وزندان وتبعیدمحکوم میشدند.

اکنون هم، هیات حاکمه جمهوری اسلامی میگویدمعلمان کردستان دانش آموزان رابا روح وایمان به جمهوری اسلامی ورهبری خمینی آموزش نداده اند بنابراین حق کارکردن ونان خوردن ندارندوباید معلم "مسلمان" و"متعهد" بکردستان "مادر" گرد. گناه معلمان کردستان اینست که درمحیط مدرسه به آزادی عقایدونشونمای آگاهی وفعالیت سیاسی میدان داده اند، پس باید آنها رابطور دسته جمعی اخراج کرد، لابدبنظر هیات حاکمه، درکردستان هم مانند سایر مناطق جمهوری اسلامی ایران باید به کشتار وسرکوب دانش آموزان پرداخت ومیراث انقلابی و مبارزاتی آنان راتحت عنوان عوامفریبانه ودروغین انقلاب فرهنگی و اشاعه فرهنگ اسلامی نیست ونابودکرد.

درانتهای پیام شیخ عزالدین حسینی با محکوم کردن این اقدام "ارتجاعی و ضد خلقی" مردم مبارزوآزادیخواه سراسرایران رانیزبه محکوم وافشاء کردن اخراج هزاران معلم وکارمندفراخواند.

"ما همصدا با عامه خلق کرد انحلال ادارات آموزش وپرورش کردستان و اخراج دسته جمعی

معلمان وکارمندان مبارزرایک اقدام ارتجاعی و ضدخلقی تلقی کرده وآنرا شدیداً محکوم میکنیم ویقین داریم که معلمان وکارمندان مبارز کردستان این بار هم با مقاومت دلیرانه خودکام هیات حاکمه راباتلخی شکست آشنا خواهند کرد.

مردم مبارزوآزادیخواه ایران!

اینک که ارتجاع حاکم درهمه جای ایران یورش ضدانقلابی و ضدخلقی خودرا گسترش داده است از شما درخواست میکنیم که ضمن مبارزات پرشور خود، اقدامات جنایتکارانه هیات حاکمه جمهوری اسلامی درکردستان از جمله اخراج هزاران معلم وکارمند مبارزان محکوم وافشاء کنید.

ما همچنین از همه سازمانهای منرقی ودموکراتیک، از کلیه کانونهای صنفی مبارزو بخصوص از روشنفکران، معلمان، دانشجویان ودانش آموزان سراسرایران خواستاریم که از مقاومت دلیرانه و عادلانه معلمان ودانش آموزان کردستان که بخش مهمی از جنبش مقاومت خلق کردرا تشکیل میدهند پشتیبانی کنند.

۲- کومه له ووضد انقلاب

۸ هزارمزدور مسلح پالیزیان در نزدیکی کرمانشاه، بجان خلق گرفتاردهند، آنها هرچندکه بارژیم جمهوری اسلامی می جنگند، اما این جنگی است میان دوضد انقلاب وگروههای سیاسی منطقه، هریک بنحوی درقبال این مساله موضع گیری کرده اند. مادرمورد موضع چریکها (اکثریت) درهمین شماره سخن گفته ایم، بدنست که موضع سازمان انقلابی، کومه له رانیزبه قلم خودشان بخوانیم:

"هم میهنان مبارز! اکنون مدتی از هجوم ارتش سرکوبگروپاسداران ارتجاع به منطقه اشنویه میگذرد، هم

نطورکه قبلاً نیز به آگاهیتان رسانده بودیم، این هجوم وحشیانه با بمباران فانتومها وسوزاندن روستاها وکشتار مردم، بی دفاع توأم بودویکی ازسلسله جنایتهای ارتش و پاسداران بودکه درماههای اخیردرسرتا سرکردستان بارها مرتکب گردیده اند.

ارتش وپاسداران باتمام رقابتهای خود، درسرکوب خلق کردودیگرزحمتکشان ایرا ن بسیار متحدو، متفق عمل می کنند. آنها دوش بدوش هم در این جنایتهای فاعلانه شرکت داشتند. این هماهنگی آنها دربرابر خلق کردونبیروهای پیشمرگ به هیچ عنوان تا زگی ندارد.

پس ازاینکه ارتش درنقاط مختلف اطراف شهراشنویه، مستقرشد، نیروهایش رابرای جمع آوری اسلحه به روستاها اعزام کردوبجان مردم دهات انداخت. آنها دراینکارخود با وحشیگری کامل عمل میکردند. درهمان حال فرماندهان این واحدددهات ودرحضور مردم، خمینی وحکومت جمهوری اسلامی رانیزبه یادناستی می گرفتند و آشکارا ازبختیار مزدور حمایت میکردند. طبق اطلاعاتی که بدست آورده ایم این واحدها عواملی درخاک عراق تماس برقرارنموده است. همزمان بااین جریان در بخشی دیگر از روستاهای اطراف نطقه وجلدیان، پاسداران ارتجاع به بهانه خلع سلاح مردم روستاها رامحاصره میکنند جوانان رابه گروگان گرفته واز اعمال هرگونه آزار و اهانتی کوتاهی نمیکنند.

چنین وحدت عملی بین ارتش وپاسداران درسرکوبی زحمتکشان منطقه اشنویه درشرایطی است که:

واحدمستقر در آنجا کار اختلافش با پاسداران بجایی میرسد که برای فرمانده سپاه پاسداران نقد، و همراهانش

تله انفجاری کار میگذارد که همه آنها رادرم بقتل میرسانند. (لازم بیادآوری است که بیمشرگان جنبش مقاومت هیچکدام مسئولیت کارگذاشتن این تله رابه عهده نگرفته اند وتقریباً برای همه مردم منطقه روشن شده است که انجام این کار دراین محل ودرشرایط فطی برای هیچ نیرویی جز ارتش امکان پذیرنیست.)

بنا براین بروشنی دیده میشود که نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی وعوامل مزدور امپریالیسم ووابستگیان بختیارخائن همگی درسرکوب خلق کردها هنگ وهمراهی اند. این وحدت عمل تنها بدلیل وحشت آنها از رشد نیروهای انقلابی ومبارزات تودهها است که درتکامل خود و همراه با مبارزات دیگر زحمتکشان ایران بساط هرگونه ستیم واستثمار امپریالیستی رادرم خواهد پیچید ومرتجعین داخلی رانیزبه زباله دان تاریخ میریزد.

هم اکنون عوامل مزدور بختیار روتیمسارهای جنایتکار فراری درعراق ودرامان فاشیستهای بعثی وهمدستان شان در ارتش جمهوری اسلامی متحدانه منظورضربه زدن به نیروهای انقلابی ومبارزات خلق کردتوطئه چینی میکنند و این نیروها راسه راه اعمال ننگین خود میدانند، چراکه آشکارا می بینند جا شیکه این نیروها، حضورفعال دارندیدگر آنها بسادگی قادر به کشتار توطئه های خود نیستند وتنها چشم امیدشان رابمرتجعین داخلی کردستان دوخته اند تا بلکه ازاین طریق جای پای بی برای خود پیدا کنند. برای ما مسلم است که آنها تلاش خودرا چه از طریق کودتا وچه از طریق بسیج عوامل مزدور ومرتجع در خارج از مرزها بدور خود برای برقراری دوباره حاکم

چرا سربازان، این فرزندان زحمتکش از ارتش فرار می کنند؟

سربازان و درجه داران جزه در ارتش فرزندان کارگران و زحمتکش زود هفتان ماهستند. اینان به اجبار تحت بدترین شرایط در بهترین سالهای عمرشان به خدمت نظام فراخوانده میشوند، بسیاری از آنان بسیاری کشا و رزند و بر زمینها یشان کار میکنند. اما فرما — ندهان ضد خلقی ارتش و حکومت سرمایه داران بدون ذره ای توبه چه به این مسائل و برای تامین افراد مورد لزوم خود ایستادن فرزندان خلق را به زیر پرچم

ستان را منحل و همه کارکنان اداری و آموزشی را یکجا اخراج کرده است. هم اکنون با انحلال و تعطیل ادارات، مدارس و مراکز عالی منطقه همه دانش آموزان و دانشجویان آزادآمده تحصیل محروم و کلیه معلمان کارمندان و خدمتگزاران شهرهای سنندج، سقز، بانه، مریو، ان، کامیاران، دیواندره و نو سو بیطور دسته جمعی از کار برکنار گردیده اند...



اخبار کردستان قهرمان

پیام عزالدین حسینی

در باب انحلال

آموزش و پرورش کردستان

رژیم جمهوری اسلامی کلیه ادارات آموزش و پرورش و مدارس شهرهای اشغال کردستان را تعطیل و به دانش آموزان گفته است که برای امتحان به شهرهای استان آذربایجان غربی بروند! آیه همین مناسبت شیخ عزالدین حسینی پیامی خطاب به "خلق رنج دیده و رزمنده کرد" و مردم مبارز و آزادیخواه سرسرایران "نوشته است که در زیر بخشهایی از آن را میخوانید:

"دولت جمهوری اسلامی، رسماً ادارات آموزش و پرورش کلیه شهرهای اشغال شده کرد-

رقم تقریبی مجموع اخراج شدگان بیش از ده هزار نفر است. ابعاد ضد خلقی این اقدامات دولت را فقط با احتساب افراد خانواده آنان و با توجه به وضعیت بیکاری، عقب ماندگی اقتصادی کردستان بخصوص در شرایط جنگ و ویرانی کنونی، میتوان در نظر محسوم کرد."

شیخ عزالدین حسینی در ادامه پیام خود درباره این عملکرد ضد انقلابی مینویسد:

"خلق کرد در تاریخ خونبار خود، رنجها و ستمهای بیشمار را تحمل کرده است و در قبال آن کوله باری از تجربه اندوخته است، خلق کرد ظلم و ستم را با گوشت و پوست خود در زندانها، تبعیدگاهها، ویرانیها، درید ریهها بر چوبه دارها و در میدانهای تیرو در برق سرنیزه ستمگران گوناگون شناخته است و با آن بمبارزه برخاسته است. ما ظلم و ستم را در هر لباس و لفافه ای با شدمیشناسیم. درد دوران شاه معلمان کرد را تبعید میکردند بنام اینکه کودکان کرد باید از همان کودکی "فارسی" یاد بگیرند و با "نظام شاهنشاهی" بار بار بیاد و گویا معلمان کرد برخلاف آن عمل میکردند و روحیه تجزیه طلبی در دانش آموزان بقیه در صفحه ۱۳۳

بیت روزمندان

از ساجا (خدمات آموزش) به نهرت گهرندان بکم موضوع مبارزات برینتل فراری

عبارت ۰۶ - ۰۱ - ۲۱۰ تاریخ ۰۷/۸/۸۴

۱- همانطوریکه ملاحظه میکنید در حال حاضر زندانهای اشغال ایران را زیر دستان خبیثانه فرار داده و در این میان نصف ارتش نیز یکی از هدایای عمده آنان میباشد و طبیعی است که در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمیباشد. بنابراین در هر بار که کوشش و طوفان برینتل نظامی است که برای حفظ انجام ارتش تمام هم و جوارش صرف داده و این مسیر تسهیل جز از طریق حکم مبنای انضباطی

۲- اطلاعات واصله حاکیست امیرامیران و هیئت قرار سربازان وظیفه نسبتاً افزاینده یافته و این مبین آنست که سطح روحیه و انضباط در یگانها پایین بوده و فرماندهان آنطوریکه بایسته است مظهر انضباط منوی را در برینتل جسی خود تقویت نموده اند.

۳- سناد معتبرانه اتفاق دارد فرار اکثر برینتل برافری بی توجهی و عدم اطلاع از حواشیهای از آن و مبارزاتی فانونی است که در این مورد بهیچینی عده و مورد فعل میباشد لذا به منظور آگاهی برینتل بخصوص سربازان وظیفه مقررات موارد ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ این قانون را درسی و کثیرتاً در این زمینه در نظر میگرد.

اقسام ماده ۳۰۰

سربازان وظیفه که در زمان ملح مدت خدمت آنان در خدمت از هفت روز متوالی تجاوز نماید و مظهر بیجی نداعفه با عتد فراری محسوب و بران دستگیری بهترین برینتل حکوم میبوند.

(۱) برای مرتبه اول فرار به جیبهای از سه ماه تا یکسال

(۲) برای مرتبه دوم فرار (بعد از صدور رای قطعی حکوم مرتبه دوم) به جیبهای از یکسال تا دو سال

(۳) برای مرتبه سوم فرار (بعد از صدور رای قطعی مرتبه دوم) به جیبهای از دو سال تا سه سال و در این مورد دادگاه نمیتواند مراد بران به کفر از حداقل حکوم نماید.

درجه داران و افرادی که بصورت ثابت در امر خدمت مینمایند با درجه داران و افراد وظیفه زیر پنجم و با درجه داران و افراد احتیاط و ذخیره که احتیاط عده و مقبول خدمت کرده اند هر گاه در زمان جنگ بهیچانی در عین حال خدمت نموده و مظهر بیجی نداعفه با عتد فراری محسوب به جیبهای مرتبه یک از سه سال تا ده سال و اگر فرار از جیب نماید از زمان خدمت فراری محسوب در صورتیکه مظهر بیجی نداعفه با عتد به اعدام حکوم میبوند.

پ ماده ۳۰۱

هر نظامی که در زمان بسیج از یگان مربوطه که در صورت آماده باش در خدمت است مرتباً فرار عود بر حسب مورد معمول موارد ۳۰۷ و ۳۰۸ این قانون خواهد بود.

۴- دستور فرمایید مقررات مواد بالا را شن فرات در اولین مراسم مبارزه در نابلو احکام نیز نصب نموده و در مورد برینتل فراری مینا بهرورد اجرا فرار نمند.

رئیس نهاد معتبرانه جمهوری اسلامی ایران - سرلنگر هادی هادی

با یدمخارج خانواده اشان راتامین کنند بسیاری از آنان کاری موقت دارند که در صورت ترک آن، آنرا از دست میدهند، ارتش ضد خلقی و ضد مردمی خود میکشاند. فرار چه قبل از آغاز خدمت و یا در حین خدمت همواره بقیه در صفحه ۱۱۴

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکششان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!